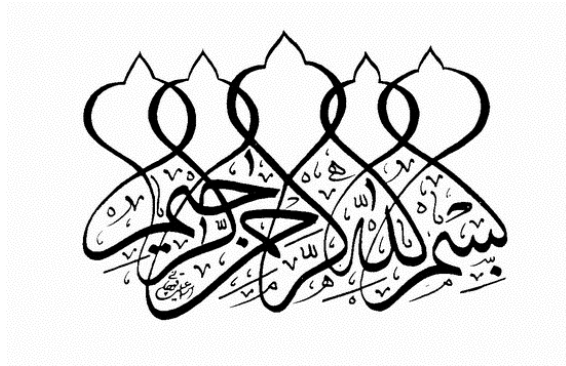


# راز ۳۳

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان (عج)



محمد ذکاوت صفت





# داز ۳۱۳

تحقیقی تحلیلی

# پیرامون یاران خاص امام زمان

محمد ذکاوت صفت

سرشناسه	: ذکاوت صفت، محمد، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور	: راز ۳۱۳: تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان (عج) / محمد ذکاوت صفت.
مشخصات نشر	: قم: شکوفه یاس، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۲ص؛ ۱۴×۲۱س م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۸۸-۵۹-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان (عج).
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. ---
	یاوران
موضوع	: مهدویت -- انتظار
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ر ۲ ۷ ذ / ۴/۲۲۴ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۰۰۹۷۵



راز ۳۱۳

تحقیقی تحلیلی

پیرامون یاران خاص امام زمان #

نویسنده: ..... محمد ذکاوت صفت  
ناشر: ..... شکوفه یاس  
تیراژ: ..... ۳۰۰۰  
نوبت چاپ: ..... اول/۱۳۹۳  
بها: ..... ۴۰۰۰ تومان  
شابک: ..... ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۸۸-۵۹-۴

## فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
۱. سابقه‌ی عدد ۳۱۳ چیست؟.....	۱۴
۱) تعداد پیامبران مرسل:.....	۱۴
۲) تعداد سپاه طالوت پس از آزمایش:.....	۱۵
۳) تعداد اوصیاء:.....	۱۶
۴) تعداد ملائکه در جنگ بدر:.....	۱۸
۵) تعداد اصحاب پیامبر در جنگ بدر:.....	۱۸
بیان نکته‌ای لطیف.....	۱۹
۲. آیا واقعاً ۳۱۳ نفر یارِ خاص، شرط ظهورند؟ یعنی هر زمان که تعداد این افراد خاص به عدد ۳۱۳ رسید، امام ظهور می‌کند؟.....	۲۰
بعضی از شرائط ظهور.....	۲۲
۱) وقوع نشانه‌های ظهور.....	۲۲

- ۲۳ ..... نشانه‌های ظهور عبارتند از: ..... ۲۳
- ۲۳ ..... الف) نشانه‌های غیر حتمی ..... ۲۳
- ۲۳ ..... نشانه‌های غیر مقارن: ..... ۲۳
- ۲۴ ..... نشانه‌های مقارن: ..... ۲۴
- ۲۶ ..... ب) نشانه‌های حتمی ..... ۲۶
- ۲۶ ..... ۱- خروج سفیانی ..... ۲۶
- ۲۷ ..... ۲- قیام مرد یمانی ..... ۲۷
- ۲۷ ..... ۳- ندای آسمانی ..... ۲۷
- ۲۷ ..... ۴- فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء بین مکه و مدینه ..... ۲۷
- ۲۷ ..... ۵- شهادت نفس زکیه ..... ۲۷
- ۲۸ ..... ۲) وجود ۳۱۳ نفر یار مؤمن و مخلص ..... ۲۸
- ۲۸ ..... ۳) وجود حداقل ده هزار مرد جنگی مطیع ..... ۲۸
- ۲۹ ..... ۴) آمادگی جهان برای ظهور ..... ۲۹
- ۳۱ ..... ۵) اراده و اجازه‌ی الهی نسبت به ظهور ..... ۳۱
- ۳۳ ..... ظهور اصغر و ظهور اکبر در برابر غیبت صغری و غیبت کبری ..... ۳۳
- ۳۳ ..... ظهور اصغر ..... ۳۳
- ۳۶ ..... ظهور اکبر (قیام) ..... ۳۶
- ۳۷ ..... بررسی فاصله‌ی نشانه‌های حتمی ظهور تا ظهور اکبر ..... ۳۷
- ۳۷ ..... ۱- فاصله‌ی خروج سفیانی تا ظهور اکبر ..... ۳۷
- ۳۹ ..... ۲- فاصله‌ی قیام مرد یمانی تا ظهور اکبر ..... ۳۹
- ۴۱ ..... ۳- فاصله‌ی ندای آسمانی (ظهور اصغر) تا ظهور اکبر ..... ۴۱

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۷

- ۴- فاصله‌ی فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء بین مکه و مدینه تا ظهور اکبر..... ۴۲
- ۵- فاصله‌ی شهادت مردی پاک سرشت (نفس زکیّه) تا ظهور اکبر... ۴۳
۳. آیا این یاران خاص، تعیین شده‌اند و نام و یا مکان زندگی آنها در روایات ذکر شده است؟..... ۴۶
- (۱) تعیین از لحاظ جنسیت (یاران خاص همگی مردند و هیچ زنی «از» یاران خاص؛ یعنی از ۳۱۳ نفر نیست)؛..... ۴۶
- (۲) تعیین از لحاظ ملیت (یاران خاص هیچکدام از نسل عرب نیستند)؛..... ۴۹
- (۳) تعیین از لحاظ شهر و نام..... ۵۲
۴. آیا تمام ۳۱۳ نفر در عصر ظهور زنده‌اند یا از مرحومین نیز جزء آنها هستند و به هنگام ظهور رجعت می‌کنند؟..... ۶۹
- رجعت در کتاب و سنت..... ۶۹
- اما فلسفه‌ی رجعت..... ۷۴
- یاران خاص همگی در عصر ظهور زنده‌اند..... ۷۶
- درایت یک روایت..... ۷۹
۵. آیا خودشان می‌دانند که جزء یاران خاص امام هستند؟..... ۸۳
۶. آیا هم‌دیگر را می‌شناسند؟..... ۸۵
۷. اگر یاران خاص از ملیت‌های مختلفند و در جهان پراکنده‌اند، چگونه خبر از ظهور پیدا می‌کنند و چگونه به خدمت امام می‌رسند؟..... ۸۷
- (۱) یاران خاص و کیفیت خبردار شدن از زمان ظهور..... ۸۷
- (۲) یاران خاص و کیفیت حضور خدمت امام..... ۸۹



۸. ویژگی‌های آنان از نظر ایمان و اطاعت و عبادت و شجاعت چیست؟ ... ۹۱
۹. آیا همه یاران خاص، در یک درجه از ایمانند؟ ..... ۹۵
- علت تفاوت زمان حضور ..... ۹۷
۱۰. آیا می‌شود جزء یاران خاص امام؛ یعنی جزء ۳۱۳ نفر شد؟ ..... ۹۸
- استعانت از اختلاف روایاتی که نام یاران خاص یا شهرهای آنان را بیان می‌کنند ..... ۹۹
- بحث مختصری درباره‌ی تغییرات در علمِ فعلیِ الهی ..... ۱۰۲
- فهرست منابع ..... ۱۱۱

#### مقدمه

قطعه‌ی گمشده‌ای از پر پرواز کم است  
یازده بار شمردیم یکی باز کم است  
این همه آب که جاریست نه آقیانوس است  
عرق شرم زمین است که سرباز کم است  
مولای ما! هزار و هشتاد و سه سال از سروده شدن این قصیده‌ی  
هجرات می‌گذرد. هجرانی که حتی اندیشه‌اش، مولای ما، امام صادق ×  
را به گریه انداخته و خواب از چشمش ربوده بود.<sup>۱</sup>  
اگر چه بانگ جرس کاروان خلقت، مدام به گوش شیعه می‌نواخت  
که روزی «حضرت جانان»، تا زمانی که فقط خدا می‌داند، موسی‌وار  
از قومش کناره می‌گیرد و طوری به سینای اسرارآمیز غیبت فرو

---

۱- اشاره به کلام امام صادق × در روایت سدید صیرفی که پس از یاد مسأله‌ی غیبت با گریه فرمودند: سِدِّی غَیْبُکَ نَفْتُ رُقَادِی وَ ضِیْقَتُ عَلَیَّ مِهَادِی وَ اَبْتَرْتُ مِنْی رَاحَةَ فُوَادِی... (آقای من! غیبت تو خواب را از چشم من ربوده و بسترم را بر من تنگ نموده و راحتی قلبم را از من سلب کرده است....). نگاه کنید به: کمال الدین و تمام النعمة؛ ج ۲؛ ص ۳۵۲

می‌رود که طور سینای سینه‌ها را به زلزله‌ی «الأمان الأمان» می‌کشاند، و بنی‌آدم را با تیغ این تیه فراق رها می‌کند و قافله‌ی نسل‌ها را در حسرت دیدار آن یار سفر کرده، به التماس آمدنش به زانو می‌افکند. اما نه شیعه‌ی منتظر این سرنوشت دردناک و نه هیچ‌قوم منتظر منجی‌ای، «این همه انتظار» را انتظار نداشت.

گمان نمی‌کردیم که «آن زمان که فقط خدا می‌داند» اینقدر اراده‌ها را در هم بشکند و دعاها را نشنیده بگیرد و نسل‌ها را چشم به راه بگذارد. چه کسان که در حسرت آمدنش غریبانه جان دادند و چه زمان که به کنده‌ی جان‌کندن، ثانیه ثانیه ناباورانه بدورد گفتند.

پدری که پدرش در همین حسرت، با چشمان باز مرده بود، می‌خواست با پسرش در رکاب تو باشد و به دیدار تو بهرمنند گردد. اینک سال‌هاست که پدر مرده و آن پسر دیروز، عصایش را به زمین می‌کشد و با صدائی لرزان به فرزندش می‌گوید: پسر! پدر بزرگ در این اندیشه‌ای که می‌میرم، مرد. و پسر که می‌داند وارث اندیشه‌ی آرمانی یک نسل به انتظار نشسته است، اینک دارد پیر می‌شود. او گاه‌گاهی که به هراس انتقال این راز به فرزندش می‌اندیشد، اشک در چشمانش حلقه می‌زند و به نقطه‌ای نامعلوم خیره می‌شود و کلامی

دردناک را با خود زمزمه می‌کند. فرزندش می‌پرسد: «پدر! چه چیزی دیر شده است؟ چه کسی پیر شده است؟»

مولای ما! «به سخت جانی خود اینقدر نبود گمانم.»

مولاجان! تو را به پهنای سینه‌ی صبورت در این سال‌های فراق، برگرد و راز دردناک هزار نسل درخاک تبیده را بگشا!

ما به حول و قوه‌ی الهی، در این تحقیق به یاران خاص امام زمان # و کیفیت ظهور نگاهی جدید خواهیم داشت، نگاهی که با منظر گذشته و رسمی کاملاً متفاوت است. این نگاه یاران خاص را نه در پرده‌ای از ابهام و نه غیر ممکن از لحاظ شدن می‌داند، بلکه آنها در همین جامعه و همین افراد پیرامون ما می‌پندارد. واضح‌تر بگوییم: این نگاه، یاران خاص را شخص نمی‌داند بلکه آنها را هم‌چون لباس و شخصیتی می‌داند که هر کس می‌تواند با تلاش مردانه در این راه، آن را بر قامت خود راست و اندازه نماید.

بدین ترتیب این نگاه منتظر را به انسان انگیزه‌ی حرکت و جنبش می‌دهد، خواب را از چشم او می‌گیرد و او را در مسیر و جریان ظهور قرار می‌دهد. در گوش او می‌خواند که فقط تماشاگر جریان ظهور نیست و در دل او عشق به قرب مولایش را با عنوان یار خاص او می‌نهد و به اسب انگیزه‌اش مهمیز به سوی وصال می‌زند. به او نشان

می‌دهد که کلید قفل ظهور بدست اوست. او را حواله به غیب نمی‌دهد و چشم به راه علائمی که در طول تاریخ عصر غیبت از تطبیقات مایوس‌کننده خسته شده‌اند، نمی‌نشانند.

او را به خانه نمی‌نشانند به امید آنکه مردی از خراسان بتازد و دیگری از یمن قیام کند و آن یکی از صحرای خشک از هدایت شامات به تاراج شهرها بپردازد و کوفه و مدینه را در زیر سم اسبهای لشکرش در هم بکوبد و ندائی از آسمان برخیزد و مردی پاک، بدست قومی یوک، بین رکن و مقام، ذبح گردد و ۳۱۳ یار اسرارآمیز پا در رکاب کنند و او فقط تماشگر این سناریوی از پیش گفته باشد. امید را در قلبش مشروط نمی‌کند. به او می‌گوید: تو می‌توانی علامت بسازی و عقربه‌های زمان ظهور را به جلو بکشانی. ساعت و علامت ظهور به دست توست. تو می‌توانی علامت‌های ظهور را در حسرت تحقق، در قعر تاریخ امکان، در وحشت تاریک امتناع، رها کنی.

و مهم‌ترین فائده‌ی نگاه جدید این است که او را فقط منتظر یک نفر (و فقط یک نفر) می‌داند و شراکت علائم را از میان برمی‌دارد، و عشق به وصال او شرکت‌سوزِ انتظارِ غیر می‌شود. با امید فراگیر شدن این نگاه جدید به پیشواز آن می‌رویم.

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۱۳

برای رسیدن به نگاه جدید، در ضمن این تحقیق به ده سؤال زیر

پاسخ خواهیم داد:

- ۱- سابقه‌ی عدد ۳۱۳ چیست؟
- ۲- آیا واقعاً ۳۱۳ نفر یارِ خاص، شرط ظهورند؟
- ۳- آیا یاران خاص تعیین شده‌اند؟
- ۴- آیا تمام آنها در عصر ظهور زنده‌اند؟
- ۵- آیا خودشان می‌دانند که جزء یاران خاص امام هستند؟
- ۶- آیا هم‌دیگر را می‌شناسند؟
- ۷- چگونه از زمان ظهور باخبر می‌شوند و چگونه خدمت امام می‌رسند؟

۸- ویژگی‌های آنها از نظر ایمان و اطاعت و عبادت و شجاعت

چیست؟

- ۹- آیا تمام یاران خاص در یک درجه از ایمانند؟
  - ۱۰- آیا می‌شود جزء یاران خاص امام؛ یعنی جزء ۳۱۳ نفر شد؟
- نیز با عنایات و راهنمایی‌های حضرت حقّ جلّ جلاله، به سؤالات دیگری، که بر سؤالات اصولی فوق متفرّغند، پاسخ خواهیم داد.
- و من الله التوفیق.

**۱. سابقه‌ی عدد ۳۱۳ چیست؟**

عدد ۳۱۳ فقط به تعداد یاران خاص امام مهدی # منحصر نمی‌شود، بلکه سابقه‌ی طولانی دارد:

**( ۱ ) تعداد پیامبران مرسل:**

عبدالعظیم حسنی می‌گوید: به امام جواد × نامه نوشتیم و سؤال کردم که نام ذالکفل چه بوده و آیا از پیامبران مرسل بوده است یا نه؟ ایشان × جواب دادند که خداوند متعال ۱۲۴۰۰۰ پیغمبر را مبعوث فرمود که ۳۱۳ نفر از آنها پیغمبر مرسل بوده‌اند و ذالکفل از مرسلین و نام او «عویدیا» بوده است...<sup>۱</sup>

---

۱ - عن الصدوق عن الدقاق عن الأَسَدِيِّ عَنِ السَّهْلِ عَنِ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ ذِي الْكُفْلِ مَا اسْمُهُ وَهَلْ كَانَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ فَكَتَبَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى جَلَّ ذِكْرُهُ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍِّّ وَ أَرْبَعَةَ وَ عِشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍِّّ الْمُرْسَلُونَ مِنْهُمْ ۳۱۳ رَجُلًا وَ إِنَّ ذَا الْكُفْلِ مِنْهُمْ... وَ كَانَ اسْمُهُ عَوِيدِيَا... بحار الأنوار ج ۱۳ ص ۴۰۵ باب ۱۷ حدیث ۲.

## ۲) تعداد سپاه طالوت پس از آزمایش:

توضیح: پس از حضرت موسی X، بنی اسرائیل که بخاطر سستی و کاهلی خود هنوز نتوانسته بودند به سرزمین مقدّس وارد شوند، از پیامبرشان اِشموئیل درخواست کردند که فرمانده شجاعی معین کند تا در رکاب او با دشمن بجنگند. پس از تعیین طالوت از طرف خدا و معرفی او توسط اِشموئیل پیامبر به مردم، طالوت که کارشکنی و کاهلی بنی اسرائیل را می دانست، شرط حضور در رکابش را سربلند پیروز آمدن از آزمایش آب نخوردن از نهر آبی که در راهشان بود، پس از مدتی تحمل تشنگی قرار داد. (این داستان تاریخی را می توانید در آیات ۲۴۶ الی ۲۵۱ سوره ی بقره بخوانید)

ابی بصیر از امام باقر X در تفسیر آیهی «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ...» نقل می کند که فرمود: همگی مگر ۳۱۳ نفر از آن نهر، آب نوشیدند و بدین ترتیب از سپاه طالوت بازماندند. از این ۳۱۳ نفر نیز بعضی اصلاً نوشیدند و بعضی فقط یک مشت آب نوشیدند. هنگامی که این ۳۱۳ نفر با لشکر جالوت روبرو شدند، آن عده ای که یک مشت آب نوشیده بودند گفتند: اینک ما توانائی مقابله با جالوت و لشکرش را نداریم. اما کسانی که اصلاً آب نخورده بودند گفتند: چه بسیار گروه های کوچکی که یاذن الله، بر گروه های عظیمی پیروز شدند، و خداوند با صابران



است.<sup>۱</sup> بعداً در مبحث «آیا تمام یاران خاص در یک درجه از ایمانند؟» خواهیم گفت که درجات ایمان یاران خاص نیز متفاوت است.

### (۳) تعداد اوصیاء:

تعداد اوصیاء پیامبران ۳۱۳ نفر است که حضرت امیرالمؤمنین X آخرین آنهاست.

حبیب بن جهم می‌گوید: در زمان جنگ صفین، امام علی X ما را در روستائی که به آن صندوداء گفته می‌شد، فرود آورد. سپس دستور داد از آنجا گذشتیم، سپس ما را در مکانی خشک و بی‌آب و علف فرود آورد. مالک اشتر به او عرض کرد: آیا دستور توقف در این مکان خالی از آب می‌دهی؟ فرمود: ای مالک، خداوند ما را در این مکان آبی شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از کره‌ی روان و خنک‌تر از برف می‌نوشاند... شمعون راهب پرسید: نام این چشمه چیست؟ امام فرمود:

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ... إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا مِنْهُمْ مَنْ اعْتَرَفَ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ يَشْرَبْ فَلَمَّا بَرَزُوا قَالَ الَّذِينَ اعْتَرَفُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ وَ قَالَ الَّذِينَ لَمْ يَعْتَرِفُوا كَمْ مِنْ قِتَّةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ قِتَّةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ. كافي جلد ۸ صفحه‌ی ۳۱۶ حدیث ۴۹۸.

راحوما، و چشمه‌ای است از بهشت که ۳۱۳ وصی از آن نوشیده‌اند و  
من آخرین آنهایم...<sup>۱</sup>

۱ - عن ماجیلویہ عن علی عن ابیہ عن ابی الصلت الہروی عن محمد بن یوسف الفریابی عن سفیان عن الأوزاعی عن یحیی بن ابی کثیر عن حبیب بن الجهم قال لما دخل بنا علی بن ابی طالب ع إلى بلاد صفین نزل بقریة یقال لها صندوداء ثم أمرنا فعبنا عنها ثم عرس بنا فی أرض بلقع فقام إلیه مالک بن الحارث الأشتر فقال یا امیر المؤمنین أتتزل الناس علی غیر ماء فقال یا مالک إن الله عز وجل سیتقینا فی هذا المكان ماء أعذب من الشهد و اللین من الزبد الزلال و أبرد من الثلج و أصفی من الیاقوت فتعجبنا و لا عجب من قول امیر المؤمنین ع ثم أقبل یجر رداءه و یدیه سیفه حتی وقف علی أرض بلقع فقال یا مالک احنفر أنت و أصحابک فقال مالک فاحنفرنا فإذا نحن بصخرة سوداء عظيمة فیها حلقة تبرق کالبحرین فقال لنا روموها فرمناها بأجمعنا و نحن مائة رجل فلم نستطع أن نزیلها عن موضعها فدنا امیر المؤمنین ع رافعا یدیه إلى السماء یدعو و هو یقول طاب طاب مر بما لم طیبتا بوته شتمیا کوبا جاحا نوتا تودینا برحوتا امین امین رب العالمین رب موسی و هارون ثم اجتذبتها فرماها عن العین أربعین ذراعا قال مالک بن الحارث الأشتر فظهر لنا ماء أعذب من الشهد و أبرد من الثلج و أصفی من الیاقوت فشرینا و سقینا ثم رد الصخرة و أمرنا أن نحثو علیها التراب ثم ارتحل و سیرنا فما سیرنا إلا غیر بعید قال من منکم یعرف موضع العین فقلنا کلنا یا امیر المؤمنین فرجعنا فطلبنا العین فحفی مکانها علینا أشد خفاء فظننا أن امیر المؤمنین ع قد رقهه العطش فأومأنا بأطرافنا فإذا نحن بصومعة راهب فدنونا منها فإذا نحن براهب قد سقطت حاجباه علی عینیہ من الکبر فقلنا یا راهب أ عندک ماء نسقی منه صاحبنا قال عندی ماء قد استعذبته منذ یومین فأنزل إلینا ماء مرأ خشنا فقلنا هذا قد استعذبته منذ یومین فکیف و لو شربت من الماء الذی سقانا منه صاحبنا و حدثناه بالأمر فقال صاحبکم هذا نبی قلنا لا و لکنه وصی نبی فنزل إلینا بعد و خسته منا و قال انطلقوا بی إلى صاحبکم فانطلقنا به فلما بصر به امیر المؤمنین ع قال سمعون قال الراهب نعم سمعون هذا اسم سمعتی به أمی ما أطلع علیه أحد إلا الله تبارک و تعالی ثم أنت فکیف عرفته فأنتم حتی أتمه لک قال و ما تشاء یا سمعون قال هذا العین و اسمه قال هذا العین راحوما و هو من الجنة شرب منه ثلاثمائة و ثلاثه عشر وصیا و أنا آخر الوصیین شربت منه قال الراهب هكذا و حدث فی جمیع کتب الإنجیل و أنا أشهد أن لا إله إلا الله و أن

**(۴) تعداد ملائکه در جنگ بدر:**

ابان بن تغلب می‌گوید: امام صادق × فرمود: گویا من قائم را می‌بینم که هنگامی که به پشت نجف رسید، بر اسب سیاه و سفیدی که میان دو چشمش برآمدگی است، سوار می‌شود. سپس اسبش او را حرکت می‌دهد و اهل هیج شهری نمی‌ماند مگر این‌که فکر می‌کنند که قائم با آنها و در شهر آنهاست. پس هنگامی که پرچم رسول خدا | را می‌گستراند، ۳۱۳ ملائکه‌ی جنگ بدر بر او فرود می‌آیند...<sup>۱</sup>


**(۵) تعداد اصحاب پیامبر در جنگ بدر:**

رسول خدا | فرمودند: هنگامی که قائم ما خروج می‌کند، ۳۱۳ نفر به تعداد مردان بدر به گردش جمع می‌شوند.<sup>۲</sup>

مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ وَ أَنْكَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ ص ثُمَّ رَحَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ الرَّاهِبُ يُقَدِّمُهُ حَتَّى نَزَلَ بِصَفِينٍ وَ نَزَلَ مَعَهُ بَعَابِدِينَ وَ التَّقَى الصَّفَّانِ فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ أَصَابَتْهُ الشَّهَادَةُ الرَّاهِبُ فَنَزَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ عَيْنَاهُ تَهْمِلَانِ وَ هُوَ يَقُولُ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ الرَّاهِبُ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَفِيقِي فِي الْجَنَّةِ. بحار الأنوار ج ۳۳ صفحه ۳۹-۴۰

۱ - عَنْ ابْنِ تَغْلِبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى ظَهْرِ نَجْفٍ [النَّجْفِ] فَإِذَا اسْتَوَى عَلَى ظَهْرِ النَّجْفِ رَكِبَ فَرَسًا أَدْهَمَ أَلْبَقَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ شِمْرًاخَ ثُمَّ يَنْتَفِضُ بِهِ فَرَسُهُ فَلَا يَبْقَى أَهْلُ بُلْدَةٍ إِلَّا وَ هُمْ يَطْنُونُ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ فَإِذَا نَشَرَ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ ص انْحَطَّ عَلَيْهِ... وَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ مَلَكًا يَوْمَ بَدْرٍ... بحار الأنوار ج : ۵۲ ص : ۳۲۶

۲ - أَبُو الْمُفَضَّلِ الشَّيْبَانِيُّ عَنْ الْكَلْبِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ الْعَطَّارِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرَةَ وَ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ جَمِيعًا عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان  # ۱۹

### بیان نکته‌ای لطیف

شاید ذکر این مطلب خالی از لطف نباشد که عدد ۳۱۳ در حساب  
ابجد کبیر برابر با کلمه‌ی «جیش» (ج + ی + ش = ۳۰۰ + ۱۰ + ۳ = ۳۱۳)  
است. و کلمه‌ی «جیش» در زبان عربی به معنای «سپاه» در زبان  
فارسی است.

---

عَلِيٌّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا خَرَجَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ ۳۱۳ رَجُلًا عَدَدَ رِجَالِ بَدْرٍ.

بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۰۳

**۲. آیا واقعاً ۳۱۳ نفر یارِ خاص، شرط ظهورند؟ یعنی هر زمان که تعداد این افراد خاص به عدد ۳۱۳ رسید، امام ظهور می‌کند؟**

پس از ذکر این که عدد ۳۱۳ سابقه‌ی تاریخی طولانی دارد و این عدد، حداقل برای تعداد جنگویان، عدد خاصی است به این سؤال جواب می‌دهیم که آیا ۳۱۳ یارِ خاصِ حضرت از قبل تعیین شده‌اند و تکمیل همان افراد خاص نشانه‌ی ظهور است؟ یعنی حتی اگر واقعاً ۳۱۳ نفر مؤمن واقعی در یک زمان جمع شوند، ظهور حضرت محقق نخواهد شد؟

این سؤال پس از پیروزی انقلاب عظیم و جاودانه‌ی اسلامی ایران، که خود از مقدمات ظهور است، به ذهن بعضی‌ها خطور کرد و حتی از بزرگان و علما می‌پرسیدند که اگر شرط ظهور حضرت مهدی # وجود ۳۱۳ نفر مؤمن پاک و خالص است، پس چرا اکنون ایشان ظهور نمی‌فرمایند؟ آیا حداقل ۳۱۳ امام جمعه نداریم؟ آیا ۳۱۳ نفر مؤمن با آن شرایط در ایران یافت نمی‌شود؟ و آیا....

ملاحظه می‌شود که در این سؤال عام بودنِ تعداد ۳۱۳ نفر مفروضه‌ی غنه گرفته شده است. یعنی سؤال کننده اول در ذهن خود پذیرفته است که شرط ظهورِ حضرت وجود ۳۱۳ نفر مؤمن مخلص است (یعنی عدد


تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۲۱

مهم است نه معدود)، سپس سؤال کرده است که آیا الان ۳۱۳ نفر مؤمن مخلص موجود نیست؟

اما وجود ۳۱۳ نفر یار مخلص، تنها شرط ظهور نیست بلکه یکی از شرایط تحقق ظهور است، و به اصطلاح شرط لازم است نه شرط کافی.

(۱) وقوع نشانه‌های ظهور<sup>۱</sup>

۱ - شیخ مفید<sup>۲</sup> علیه در کتاب خود «ارشاد» می‌نویسد: قَدْ جَاءَتِ الْأَخْبَارُ بِذِكْرِ عَلَامَاتِ لِيَمَانِ قِيَامِ الْقَائِمِ الْمُهَدِيِّ عَ وَ حَوَادِثَ تَكُونُ أَمَامَ قِيَامِهِ وَ آيَاتٍ وَ دَلَالَاتٍ فَمِنْهَا خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَ قَتْلُ الْحُسَيْنِيِّ وَ اخْتِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ فِي الْمُلْكِ الدُّنْيَاوِيِّ وَ كُسُوفُ الشَّمْسِ فِي التَّصَفِّ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ خُسُوفُ الْقَمَرِ فِي آخِرِهِ عَلَى خِلَافِ الْعَادَاتِ وَ خَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ وَ خَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَ خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَ رُكُودُ الشَّمْسِ مِنْ عِنْدِ الزُّوَالِ إِلَى وَسَطِ أَوْقَاتِ الْعَصْرِ وَ طُلُوعُهَا مِنَ الْمَغْرِبِ وَ قَتْلُ نَفْسٍ زَكِيَّةٍ يَظْهَرُ الْكُوفَةَ فِي سَبْعِينَ مِنَ الصَّالِحِينَ وَ ذُبْحُ رَجُلٍ هَاشِمِيِّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ هَدْمُ سُورِ [حَائِطِ مَسْجِدِ] الْكُوفَةِ وَ إِقْبَالُ رَايَاتِ سُودٍ مِنْ قِبَلِ خُرَّاسَانَ وَ خُرُوجُ الْيَمَانِيِّ وَ ظُهُورُ الْمَغْرِبِيِّ بِمَضْرٍ وَ تَمَلُّكُهُ لِلشَّمَامَاتِ وَ نُزُولُ التُّرْكِ الْجَزِيرَةَ وَ نُزُولُ الرُّومِ الرَّمْلَةَ وَ طُلُوعُ نَجْمٍ بِالْمَشْرِقِ يُضِيءُ كَمَا يُضِيءُ الْقَمَرُ ثُمَّ يَنْعَطِفُ حَتَّى يَكَادَ يَلْتَقِي طَرْفَاهُ وَ حُخْرَةٌ تَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ وَ تَنْتَشِرُ فِي آفَاقِهَا وَ نَارٌ تَظْهَرُ بِالْمَشْرِقِ طَوَّلًا وَ تَبْقَى فِي الْجَوِّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةَ أَيَّامٍ وَ خَلْعُ الْعَرَبِ أَعْتِنَهَا وَ تَمَلُّكُهَا الْبِلَادَ وَ خُرُوجُهَا عَنْ سُلْطَانِ الْعَجَمِ وَ قَتْلُ أَهْلِ مِصْرَ أَمِيرِهِمْ وَ خَرَابُ الشَّامِ وَ اخْتِلَافُ ثَلَاثَةِ رَايَاتٍ فِيهِ وَ دُخُولُ رَايَاتِ قَيْسِ وَ الْعَرَبِ إِلَى مِصْرَ وَ رَايَاتِ كِنْدَةَ إِلَى خُرَّاسَانَ وَ وُرُودُ خَيْلٍ مِنْ قِبَلِ الْمَغْرِبِ حَتَّى تَرْتَبُ بِنَاءِ الْحِيرَةِ وَ إِقْبَالُ رَايَاتِ سُودٍ مِنَ الْمَشْرِقِ نَحْوَهَا وَ تَبْقُ [انفجار] وَ جريان] فِي الْفِرَاتِ حَتَّى يَدْخُلَ الْمَاءُ أَرْقَةَ الْكُوفَةِ وَ خُرُوجُ سِتِّينَ كَذَّابًا كُلُّهُمْ يَدْعِي النَّبُوَّةَ وَ خُرُوجُ اثْنَيْ عَشَرَ مِنْ آلِ أَبِي طَالِبٍ كُلُّهُمْ يَدْعِي الْإِمَامَةَ لِنَفْسِهِ وَ إِحْرَاقُ رَجُلٍ عَظِيمِ الْقَدْرِ مِنْ شِيعَةِ بَنِي الْعَبَّاسِ بَيْنَ جَلُولَاءِ وَ خَائِقِينَ وَ عَقْدُ الْجَسْرِ مِمَّا بَلَى الْكَرْخَ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ وَ ارْتِفَاعُ رِيحِ سُودَاءَ بِهَا فِي أَوَّلِ النَّهَارِ وَ زَلْزَلَةٌ حَتَّى يَنْخَسِفَ كَثِيرٌ مِنْهَا وَ خَوْفٌ يَشْمَلُ أَهْلَ الْعِرَاقِ وَ مَوْتٌ ذَرِيعٌ فِيهِ وَ تَقْصُ مِنَ الْأَنْفُسِ وَ الْأَمْوَالِ وَ النَّفَرَاتِ وَ جَرَادٌ يَظْهَرُ فِي أَوَانِهِ وَ فِي غَيْرِ أَوَانِهِ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى الزَّرْعِ وَ الْعَلَاتِ وَ قَلَّةٌ رِيحٌ لِمَا يَزُرُّعُهُ النَّاسُ وَ اخْتِلَافُ صِنْفَيْنِ مِنَ الْعَجَمِ وَ سَفْكَ دِمَاءٍ كَثِيرَةٍ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ خُرُوجُ الْعَبِيدِ عَنْ طَاعَةِ سَادَاتِهِمْ وَ قَتْلُهُمْ مَوَالِيَهُمْ وَ مَسْخُ لِقَوْمٍ مِنْ أَهْلِ الْبِدْعِ حَتَّى يَصْبِرُوا فِرْدَةً وَ خَنَازِيرَ وَ غَلَبَةُ الْعَبِيدِ عَلَى بِلَادِ السَّادَاتِ وَ بَدَاءُ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّى يَسْمَعَهُ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّ أَهْلِ لُغَةٍ بِلُغَتِهِمْ وَ وَجْهٌ وَ صَدْرٌ يَظْهَرَانِ مِنَ السَّمَاءِ لِلنَّاسِ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ وَ أَمْوَاتٌ يُنْشَرُونَ مِنَ الْقُبُورِ حَتَّى يَرْجِعُوا إِلَى الدُّنْيَا فَيَتَعَارَفُونَ فِيهَا وَ يَتَرَاوَرُونَ. ثُمَّ يُخْتَمُ ذَلِكَ بِأَرْبَعِ وَ عَشْرِينَ مَطْرَةً تَصِلُ فَتُحْبِئًا بِهَا الْأَرْضُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا وَ تُعْرَفُ بِرُكَايَتِهَا وَ تَزُولُ بَعْدَ ذَلِكَ كُلِّ عَاهَةِ عَنْ مُعْتَقِدِي الْحَقِّ مِنْ

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان  # ۲۳

اگر بخواهیم تقسیم بندی تقریباً دقیقی از نشانه‌های ظهور داشته باشیم، می‌توانیم بگوئیم:

#### **نشانه‌های ظهور عبارتند از:**

#### **الف) نشانه‌های غیر حتمی**

این نشانه‌ها به نشانه‌های غیر مقارن ظهور و نشانه‌های مقارن ظهور تقسیم می‌شوند:

#### **نشانه‌های غیر مقارن:**

نشانه‌های غیر حتمی غیر مقارن، نشانه‌هایی هستند که بصورت عمومی در روایات علامات ظهور پراکنده‌اند و نه بطور قطع می‌توان گفت که محقق خواهند شد و نه اگر واقع شوند علامت قریب‌الوقوع بودن ظهور خواهند بود. بعضی از این نشانه‌ها عبارتند از:

شبیه شدن مردان به زنان و زنان به مردان و اکتفای آنها به همجنس خود، سوار شدن زن بر زین، قبول شدن شهادت زور و رد شدن

---

شِبَعَةُ الْمَهْدِيِّ عَ فَيَعْرِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ ظُهُورَهُ بِمَكَّةَ فَيَتَوَجَّهُونَ نَحْوَهُ لِنَصْرَتِهِ كَمَا جَاءَتْ بِذَلِكَ الْأَخْبَارُ. وَ مِنْ جُمْلَةِ هَذِهِ الْأَحْدَاثِ مَحْتُمَةٌ وَ مِنْهَا مُشْتَرَطَةٌ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكُونُ وَ إِنَّمَا ذَكَرْنَاهَا عَلَى حَسَبِ مَا نَبَتْ فِي الْأَصُولِ وَ تَضَمَّنَهَا الْأَثَرُ الْمَنْقُولُ وَ بِاللَّهِ نَسْتَعِينُ وَ إِلَيْهِ نَسْأَلُ التَّوْفِيقَ. الْإِرْشَادُ فِي مَعْرِفَةِ حُجَّجِ اللَّهِ عَلَى



شهادت انسان‌های عادل، آسان شدن خونریزی، ارتکاب زنا، خوردن ربا، ترسیدن از اشرار بخاطر زبانهایشان و ...<sup>۱</sup>

### نشانه‌های مقارن:

نشانه‌های غیر حتمی مقارن، نشانه‌های احتمالی هستند که در حوالی ظهور واقع می‌شوند و علامت قریب الوقوع بودن ظهورند. بعضی از این نشانه‌ها عبارتند از:  
گرفتن خورشید و ماه در غیر وقت خود، باران بی‌نظیر چهل روزه، از بین رفتن دو سوم مردم، حمله‌ی ملخ‌های قرمز رنگ و ...<sup>۲</sup>

۱ - ... إِذَا تَشَبَهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النَّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ اَكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النَّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوحَ وَ قَبِلَتْ شَهَادَاتُ الزُّوْرِ وَ رُدَّتْ شَهَادَاتُ الْعُدُولِ وَ اسْتَحَفَّ النَّاسُ بِالْذَّمَاءِ وَ ارْتَكَبَ الزِّنَاءَ وَ أَكَلَ الرِّبَا وَ أَتَتْهُ الْأَشْرَارُ مَخَافَةَ السَّيْتِهِمْ ... کمال‌الدین و تمام‌النعمة، جلد ۱، صفحه ۳۳۰

۲ - روایات در این مورد زیادند که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. از کتاب «غیبت» نعمانی:

۱) أَخْبَرَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ عَنْ أَحْمَدَ وَ مُحَمَّدِ ابْنِي الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِمَا عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ بَدْرِ بْنِ الْخَلِيلِ الْأَسَدِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَ فَذَكَرَ آيَاتِنِ تَكُونَانِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ أَهْبَطَ اللَّهُ آدَمَ صَ أَبَدًا وَ ذَلِكَ أَنَّ الشَّمْسَ تَتَكْسِفُ فِي النَّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ الْقَمَرَ فِي آخِرِهِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَا بَلِ الشَّمْسُ فِي آخِرِ الشَّهْرِ وَ الْقَمَرُ فِي النَّصْفِ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَ إِنِّي نَأَعْلَمُ بِالَّذِي أَقُولُ إِنَّهُمَا آيَتَانِ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ. صفحه‌ی ۲۷۱

۲) أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانِ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَدِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَعْلَمِ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ

لازم به ذکر است که با توجه به نشانه‌های حتمی که ذیلاً ذکر می‌گردند، روشن می‌شود که «دجال» نیز از نشانه‌های غیر حتمی است. علاوه بر این که با توجه روایات، «دجال» می‌تواند شخص حقیقی نباشد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بَيْنَ يَدَيْ الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرَ وَ مَوْتُ أَبْيَضُ وَ جَرَادٌ فِي حِينِهِ وَ جَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ أَحْمَرٌ كَالدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَيَالسَّيْفِ وَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونَ. صفحه‌ی ۲۷۷

(۳) حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ قُدَامَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَامَاتٌ بَلَوَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ وَ مَا هِيَ ذَلِكَ قَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشْرٍ الصَّابِرِينَ قَالَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ يَعْنِي الْمُؤْمِنِينَ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ مِنْ مُلُوكِ بَنِي فُلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ وَ الْجُوعِ بَعْلَاءِ أَسْعَارِهِمْ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ فَسَادِ التَّجَارَاتِ وَ قِلَّةِ الْفَضْلِ فِيهَا وَ الْأَنْفُسِ قَالَ مَوْتُ ذَرِيعٍ وَ الثَّمَرَاتِ قِلَّةٌ رَيْعٌ مَا يَزُرْعُ وَ قِلَّةٌ بَرَكَةُ الثَّمَارِ وَ بَشْرُ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ ع ثُمَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذَا تَأْوِيلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ. صفحه‌ی ۲۵۰

۲. از کتاب «ارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد»:

... وَ إِذَا أَنْ قِيَامُهُ مَطِيرَ النَّاسِ جُمَادَى الْآخِرَةَ وَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ مَطْرًا لَمْ يَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهُ ...

جلد ۲ صفحه‌ی ۳۸۱

۳. از کتاب «غیبت» شیخ طوسی:

وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْأَدْمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ قَالَا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثَلَاثُ النَّاسِ فَقُلْنَا إِذَا ذَهَبَ ثَلَاثُ النَّاسِ فَمَنْ يَبْقَى فَقَالَ أَمَا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا فِي الثَّلَاثِ

الْبَاقِي. صفحه‌ی ۳۳۹

**(ب) نشانه‌های حتمی**

آنچه از روایات بر می‌آید، تصریح در این دارد که پنج نشانه‌ی زیر<sup>۱</sup> از نشانه‌های قطعی ظهورند که نقش مهمی در آمادگی جهان برای قیام امام زمان # به عهده دارند:

عمر بن حنظله می‌گوید: شنیدم که امام صادق × می‌فرماید: قبل از قیام قائم، پنج علامت حتمی خواهد بود؛ یمانی و سفیانی و صیحه و قتل نفس زکیه و فرو رفتن در سرزمین بیداء.  
به حول و قوه‌ی الهی ما این علامات را به ترتیب وقوع ذکر خواهیم کرد:

**۱- خروج سفیانی**

سفیانی که نامش عثمان است در ماه رجب از طرف شام خروج می‌کند و پس از شش ماه جنگیدن، بر شهرهای پنج‌گانه‌ی دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین مستولی می‌شود و پس از آن به طرف کوفه و مکه و مدینه حمله می‌کند. دوران دولت ظالمانه‌ی او پس از استیلاء بر شهرهای پنج‌گانه، نه ماه است.

---

۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَخْتُومَاتِ الْيَمَانِيِّ وَالسُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ. كمال الدين و تمام النعمة، جلد ۲، صفحه ۶۵۰

## ۲- قیام مرد یمانی

یمانی در ماه رجب همزمان با خروج سفیانی از شام، قیام می‌کند. او مردم را به ولایت امام مهدی # می‌خواند و پرچمی هادی‌تر از پرچم او نیست.

## ۳- ندای آسمانی

این صیحه‌ی آسمانی که توسط جبرئیل انجام می‌شود، در سحرگاه جمعه، ۲۳ ماه مبارک رمضان، به معرفی امام مهدی # با ذکر نام مبارکش و نام مبارک پدرش و حقایق شیعیه می‌پردازد.

## ۴- فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء بین مکه و مدینه

سفیانی برای دستیابی به امام مهدی # سپاهی‌را به مدینه می‌فرستد. پس از رسیدن به مدینه‌ی منوره، معلوم می‌شود که حضرت مهدی # به مکه رفته است. سپاه کوردل سفیانی در پی تعقیب او به سوی مکه می‌رود ولی در سرزمین «بیداء» مابین مکه و مدینه دچار عذاب الهی گردیده به زمین فرو می‌رود.

## ۵- شهادت نفس زکیه

او نماینده‌ی امام مهدی # به نام «محمدبن الحسن» معروف به «نفس زکیه» است، که امام او را برای اعلام پیام خود به سوی اهل

مکه می‌فرستد، ولی مکّیان او را در روز ۲۵ ذی‌الحجّه در کنار خانه‌ی خدا بین رکن و مقام سر می‌بُرند.

### (۲) وجود ۳۱۳ نفر یار مؤمن و مخلص

هر فرماندهی برای مبارزه و قیام نیاز به فرماندارانی دارد که گوش به فرمانش باشند و در مقاطع حساس استراتژیک و تاکتیک او را یاری و اطاعت کنند. امام مهدی # که برای پاکسازی سراسر جهان از ظلم و فساد و گسترش عدل و داد قیام می‌نماید، نیاز به فرمانداران و والیان و حاکمانی دارد که او را در این امر بزرگ که تاکنون سابقه‌ی تاریخی نداشته است، یاری کنند. وجود این یاران خاص بطور متواتر در روایات آمده است و بعضی از روایات به معرفی نام و شهرهای آنها پرداخته‌اند. ما در مبحث «سابقه‌ی عدد ۳۱۳» در این مورد صحبت کردیم و در بحث «تعیین یاران خاص» نیز در این مورد صحبت خواهیم کرد.

### (۳) وجود حداقل ده هزار مرد جنگی مطیع

بنابر تفکیکی که ما بین «ظهور» و «قیام» انجام داده‌ایم که آن را در بحث «ظهور اصغر و ظهور اکبر» خواهید خواند، ظهور امام زمان # (ظهور اصغر) از مدینه‌ی منوره صورت می‌گیرد. سپس امام # بخاطر حمله‌ی سپاه سفیانی به مدینه، هم‌چون جد

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۲۹

بزرگوارشان حضرت اباعبدالله الحسین X به مکه می‌رود. در طول مدت اقامت ایشان در مکه، پس از شکل‌گیری سپاه فرمانداران اصلی که ۳۱۳ نفرند، حلقه‌ی اول مبارزان که حدود ده هزار نفرند تشکیل می‌شود و قیام قائم (ظهور اکبر) پس از تشکیل این سپاه نیرومند آغاز می‌شود. افراد این سپاه از نیروی ایمان و توکل خاصی برخوردارند.<sup>۱</sup>

#### ۴) آمادگی جهان برای ظهور

یکی از علامات ظهور امام زمان #، آمادگی جهان برای حضور اوست. اگر جهانیان هم‌چنان در خواب غفلت بوده بر آنچه بر آنها می‌گذرد بی‌خیال باشند و در پی اصلاح و منتظر مصلحی نباشند، هیچ‌گاه وعده‌ی دیدار و روز ظهور محقق نخواهد شد.<sup>۲</sup> امام هم‌چون خورشیدی نیست که حتی اگر مردم جهان در هنگام طلوعش در

---

۱ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ كَمْ يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ عَ فَإِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهُ يَخْرُجُ مَعَهُ مِثْلُ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ وَ مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أَوْلَى قُوَّةٍ وَ مَا تَكُونُ أَوْلُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ. كَمَال

الدين جلد ۲ صفحه ۶۵۴

۲ - أَمَّا وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَأَ حُضُورَ الْحَاضِرِ وَ قِيَامَ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَوْلِيَاءِ الْأَمْرِ أَنْ لَا يَقْرَؤُوا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَاءِهَا وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي أَهْوَنَ مِنْ عَنُقَةِ عَنَزٍ. نهج البلاغه، خطبه ۳

خواب بین‌الطلوعین هم باشند، طلوع می‌کند و کاری به خواسته و نخواستگی‌های آنها ندارد. حضرت مهدی # خورشید روشن‌دلان شب‌های فراق است که در اندیشه‌ی ظهورش و در طلب حضورش «فی صلاتهم دائمونند»، اما برای انسان‌هایی که منتظر او نیستند و در کارهای روزمره‌ی خویش و در اندیشه‌ی نام و نان خود غرقند، مانند خورشیدی خواهد بود برای انسان‌های کوری که شب و روز برای آنها تفاوتی ندارد؛ نه او خورشید آنهاست و نه آنها در بود و نبودش در اندوهند.

اما سرنوشت جهان بدست خود انسان به نحوی رقم خورده است که آنها را از دست ظلم و ستم و فساد و تباهی که خود بر خویشان روا نموده، به ستوه آورده است. *ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ*<sup>۱</sup> (فسادی که حاصل کرده‌ی خود انسانهاست، در خشکی و دریا آشکار شد تا نتیجه‌ی بعضی از کارهایی را که انجام دادند به آنها بچشاند، شاید به سوی خدا بازگردند). اینک هر انسانی از هر نژادی و با هر عقیده‌ای منتظر مصلحی است تا با حضورش در متن جامعه، به اصلاح

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۳۱

آنچه بشریت به فساد و تباهی کشانده است، بپردازد. علاوه بر آنچه که انسان بر خود و هم‌نوع خود روا داشته، نشانه‌های حتمی مقارن ظهور نقش مهمی در آمادگی جهان برای ظهور حضرت مهدی # دارند.

#### **(۵) اراده و اجازة الهی نسبت به ظهور**

حضرت مهدی # ذخیره‌ی خداوند برای نوع انسان است، انسانی که در برهوت دنیا چنان به پیروی از هوای نفس و اطاعت از شیطان کمر بسته است که قول فرشتگان خداوند در روز نخستین خلقت را محقق ساخته است؛ فرشتگان به خداوند عرض کردند: «آیا کسی را می‌خواهی در زمین خلیفه گردانی که فساد کند و خون‌ها بریزد؟». در هر حال چون چرخ جهان بر اساس اراده‌ی خداوند می‌چرخد، تا خداوند اجازه ندهد و اراده نکند، ظهور منجی عالم بشریت محقق نخواهد شد. خداوند محیط بر مقدمات و شرایط و اسباب ظهور است و علم و حکمت اوست که برای ظهور امام زمان # وقت تعیین می‌نماید. اوست که به بدای تعجیلی و بدای تأخیری آگاه است و اوست که اسباب و شرائط و مقدمات را فراهم می‌نماید. این که می‌گویند حتی خودِ امام زمان # نیز

---

۱ - قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ؟ آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی بقره



از زمان ظهور خود خبر ندارد<sup>۱</sup> و در روایات متعدد به ما رسیده است که تعیین کنندگانِ زمانِ ظهور دروغ‌گو هستند،<sup>۲</sup> برای همین است که کسی خیر از اراده‌ی خداوند ندارد و اراده‌ی او فوق اراده‌هاست. شاید روایت زیر تصویر تقریباً دقیقی برای این باشد که زمان ظهور امام زمان # را اراده‌ی الهی محقق می‌کند و اوست که هرگاه اراده کند، تمام اسباب و شرایط را فراهم می‌نماید و مقدمات ظهور را به سرعت و در زمانی اندک فراهم می‌کند:

۱- الْفَضْلُ بْنُ شاذَانَ وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَ إِذَا عَلِيًّا عَ كَانَ يَقُولُ إِلَى السَّبْعِينَ بَلَاءً وَ كَانَ يَقُولُ بَعْدَ الْبَلَاءِ رَحَاءً وَ قَدْ مَضَتِ السَّبْعُونَ وَ لَمْ نَرَ رَحَاءً فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ يَا نَابِتُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَانَ وَقَّتَ هَذَا الْأَمْرَ فِي السَّبْعِينَ فَلَمَّا قَتَلَ الْحُسَيْنُ عَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَأَخْرَهُ إِلَى أَرْبَعِينَ وَ مِائَةِ سَنَةٍ فَحَدَّثْنَاكُمْ فَأَدْعَتُمُ الْحَدِيثَ وَ كَشَفْتُمُ قِنَاعَ السَّرِّ فَأَخْرَهُ اللَّهُ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ عِنْدَنَا وَقْتًا وَ يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ قَالَ أَبُو حَمْزَةَ وَ قُلْتُ ذَلِكَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَقَالَ قَدْ كَانَ ذَاكَ. الغيبة للطوسي، صفحه ۴۲۷

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْخَزَّازِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْخُنَعِيِّ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَ قَالَ: قُلْتُ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ فَقَالَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ إِنَّ مُوسَى عَ لَمَّا خَرَجَ وَافِدًا إِلَى رَبِّهِ وَاعَدَهُمْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا فَلَمَّا زَادَهُ اللَّهُ عَلَى الثَّلَاثِينَ عَشْرًا قَالَ قَوْمُهُ قَدْ أَخْلَفْنَا مُوسَى فَصَنَعُوا مَا صَنَعُوا فَإِذَا حَدَّثْنَاكُمْ الْحَدِيثَ فَجَاءَ عَلِيُّ مَا حَدَّثْنَاكُمْ بِهِ فَقُولُوا صَدَقَ اللَّهُ وَ إِذَا حَدَّثْنَاكُمْ الْحَدِيثَ فَجَاءَ عَلِيُّ خِلَافَ مَا حَدَّثْنَاكُمْ بِهِ فَقُولُوا صَدَقَ اللَّهُ تَوَجَّرُوا مَرَّتَيْنِ. الكافي، جلد ۱، صفحه ۳۶۸ نیز ن. ک. به: غيبه نعماني صفحه ۲۸۹

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۳۳

عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ ... يُصْلِحُ  
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ. (ابوبصیر از امام صادق × روایت  
نموده است که فرمودند: خداوند متعال امر ظهور امام زمان # را در  
یک شب سامان می‌دهد.)<sup>۱</sup>

#### ظهور اصغر و ظهور اکبر در برابر غیبت صغری و غیبت کبری

با بررسی بعضی روایات به خوبی روشن می‌شود که همانطور که  
غیبت امام زمان # به غیبت صغری و غیبت کبری تقسیم می‌شود، ظهور  
ایشان نیز طی دو مرحله صورت می‌گیرد؛ ظهور اصغر و ظهور اکبر:

#### ظهور اصغر

ظهور اصغر امام مهدی # در سحرگاه روز بیست و سوم ماه  
مبارک رمضان<sup>۲</sup>، سه ماه و هفده روز (۱۰۷ روز) قبل از ظهور اکبر  
(قیام) ایشان صورت می‌گیرد. در آن سحرگاه مبارک، جبرئیل در  
آسمان حضرت مهدی # را با نامش و نام پدران‌ش صلوات الله علیهم

۱ - کمال‌الدین و تمام النعمة، جلد ۲، صفحه ۴۸۰

۲ - به غیر از مرحوم نعمانی (در روایت پاورقی شماره ۱۹) کسی دیگر روز جمعه بودن را نقل  
نکرده است. آن روایت هم مقداری اضطراب عبارتی دارد. روز ظهور اکبر هم که همان قیام امام  
زمان # می‌باشد در روایات متعددی روز شنبه اعلام شده است. بنابراین جمعه بودن روز ظهور  
(به معنای قیام) متیقن نیست و روز شنبه مطمئن‌تر است.

اجمعین معرفی می‌کند و ظهور اصغر شروع می‌گردد. منظور ما از ظهور اصغر، اعلان عمومی نام حضرت توسط جبرئیل به زبان‌های مختلف و اطلاع جهانیان از حقایق مذهب شیعه است.

امام باقر × می‌فرماید: ندای آسمانی در ماه رمضان خواهد بود... و ندای جبرئیل است که به اسم قائم ندا سر می‌دهد به نحوی که شرق و در غرب صدای او را می‌شنوند و هیچ خوابیده‌ای نمی‌ماند مگر این‌که بیدار می‌شود و هیچ ایستاده‌ای نمی‌ماند مگر این‌که می‌نشیند و هیچ نشسته‌ای نمی‌ماند مگر این‌که از ترس بلند می‌شود... آن ندا در شب جمعه بیست و سوم ماه رمضان است. در آن شک نکنید و گوش کنید و اطاعت کنید... و علامت آن ندا این است که به اسم قائم [م ح م د] و اسم پدرش [امام ×] ندا داده می‌شود....<sup>۱</sup>

۱ - أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ ابْنُ عُقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ أَبُو الْحَسَنِ الْجَعْفِيُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ: ... الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ وَالصَّيْحَةُ فِيهِ هِيَ صَيْحَةُ جِبْرِئِيلَ ع إِلَى هَذَا الْخَلْقِ ثُمَّ قَالَ يَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ ع فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ لَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ وَ لَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ وَ لَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ فَرَعَا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ اعْتَبَرَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْأَوَّلَ هُوَ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ ع ثُمَّ قَالَ ع يَكُونُ الصَّوْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ جُمُعَةِ لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ وَ اسْمِعُوا وَ اطِيعُوا وَ فِي آخِرِ النَّهَارِ صَوْتُ الْمَلْعُونِ إِبْلِيسَ يُنَادِي أَلَا إِنَّ فَلَانًا قَتَلَ مَظْلُومًا لِيَشْكَكَ النَّاسَ وَ يَفْتِنَهُمْ فَكَمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنْ شَاكٍ مُتَحَرِّرٍ قَدْ هَوَى فِي النَّارِ فَإِذَا سَمِعْتُمْ

با توجه به روایات، حضرت امام زمان #، ظهور اصغر را از مدینه آغاز خواهند کرد.

یعقوب سراج می‌گوید: به امام صادق × عرض کردم: چه وقت فرج شیعیان شما خواهد بود؟ فرمود: هرگاه بنی‌العباس اختلاف کردند و سلطنت آنها کهنه گشت و کسی که اهل طمع در حکومت آنها نبود، در سلطنت آنها طمع کرد و عرب افسار گسیخت و هر صاحب قدرتی قدرت خود را نمایان کرد و شامی ظهور کرد و یمانی روی آورد و حسنی حرکت نمود و صاحب الأمر با میراث رسول |، از مدینه به سوی مکه خارج شد.<sup>۱</sup>

---

الصَّوْتِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تَشْكُوا فِيهِ أَنَّهُ صَوْتُ جَبْرَائِيلَ وَ عَلَامَةُ ذَلِكَ أَنَّهُ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِيهِ حَتَّى تَسْمَعَهُ الْعَذْرَاءُ فِي خِدْرِهَا فَتَحْرُصُ أَبَاهَا وَ أَخَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ وَ قَالَ لَا بَدَّ مِنْ هَذَيْنِ الصَّوْتَيْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عِصْمَةَ مِنَ السَّمَاءِ وَ هُوَ صَوْتُ جَبْرَائِيلَ بِاسْمِ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ الصَّوْتِ الثَّانِي مِنَ الْأَرْضِ وَ هُوَ صَوْتُ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ يُنَادِي بِاسْمِ فُلَانٍ أَنَّهُ قُتِلَ مَظْلُومًا يُرِيدُ بِذَلِكَ الْفِتْنَةَ فَاتَّبِعُوا الصَّوْتِ الْأَوَّلَ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْأَخِيرَ أَنْ تَفْتَنُوا بِهِ .... غيبت نعمانی، صفحه‌ی ۲۵۳

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ مَتَى فَرَجُ شِيعَتِكُمْ؟ قَالَ فَقَالَ: إِذَا اخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهَى سُلْطَانُهُمْ وَ طَمَعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَطْمَعُ فِيهِمْ وَ خَلَعَتِ الْعَرَبُ أَعْتَنَهَا وَ رَفَعَ كُلُّ ذِي صَبِيحَةٍ صَبِيحَتَهُ وَ ظَهَرَ الشَّامِيُّ وَ أَقْبَلَ الْيَمَانِيُّ وَ تَحَرَّكَ الْحَسَنِيُّ وَ خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ بِتُرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ ص.

**ظهور اکبر (قیام)**

در روز شنبه، عاشورای ماه محرم سال بعد از ظهور اصغر؛ یعنی ۱۰۷ روز بعد، خورشید عالم تاب وجود جانبخش امام زمان #، ظهور اکبر (قیام) خود را از مکه‌ی مکرمه آغاز می‌کند و اشک فراق از چهره‌ی خسته و غبارآلود بشریت می‌زداید، بر لبان خشکیده‌ی دل‌های منتظران خُنکای طراوت لبخند می‌نشانند و به جانهای عاشقان مشتاق، جام باده‌ی وصال می‌نوشانند.

منظور ما از ظهور اکبر، آغاز قیام امام می‌باشد که از کنار خانه‌ی خدا پس از ظهور اصغر و جمع شدن یاران خاص آغاز می‌گردد.  
 امام باقر × می‌فرماید: قائم در روز شنبه، روز عاشورا، روزی که حضرت اباعبدالله الحسین × در آن روز شهید شدند، قیام می‌کند.<sup>۱</sup>  
 در این روایت هم از ظهور اصغر و هم از ظهور اکبر یاد شده است:  
 حضرت امام صادق × فرمودند: در شب بیست و سوم [ماه رمضان] به اسم قائم ندا داده می‌شود و در روز شنبه، روز عاشورا، روی که حسین بن علی ÷ شهید شد، قیام می‌کند....<sup>۱</sup>

---

۱ - حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ يَخْرُجُ الْقَائِمُ عَ يَوْمَ السَّبْتِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَ. كمال الدين جلد ۲، صفحه‌ی ۶۵۳

### بررسی فاصله‌ی نشانه‌های حتمی ظهور تا ظهور اکبر

گفتیم که نشانه‌های حتمی ظهور پنج عددند و به ترتیب زمان وقوع عبارتند از:

خروج سفیانی، قیام مرد یمانی، ندای آسمانی، فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء بین مکه و مدینه، شهادت مردی پاک سرشت (نفس زکیه).

در اینجا می‌خواهیم فاصله‌ی هرکدام از این نشانه‌های حتمی را تا زمان ظهور اکبر یعنی قیام امام زمان #، طبق آنچه از روایات استنباط می‌شود، تعیین نمائیم، و من الله التوفیق و علیه التکلان:

#### ۱- فاصله‌ی خروج سفیانی تا ظهور اکبر

سفیانی در ماه رجب سال قبل از ظهور اکبر از طرف شام خروج می‌کند و با همکاری یهودیان و پیروان خود برای تسلط بر شهرهای دمشق، حمص، حلب، اردن و فلسطین نیروهای خود را سازماندهی می‌کند. در این مدت از ظهور امام مهدی # در مدینه باخبر می‌شود

---

۱ - الْفَضْلُ بْنُ شَادَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ ع فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ وَ يَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع لَكَائِي بِهِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ جَبْرِئِيلُ ع عَنْ يَدِهِ الْيُمْنَى يُنَادِي الْبَيْعَةَ لِلَّهِ فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِبَعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُطَوِّي لَهُمْ طَبَا حَتَّى يُبَايِعُوهُ فَيَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. ارشاد شیخ مفید، جلد ۲، صفحه ۳۷۹

و سپاهی را برای تعقیب ایشان به مدینه و سپاه دیگری را برای سرکوب شیعیان به عراق می‌فرستد.

سپاه سفیانی که به مدینه روانه شده است، وارد مدینه می‌شود و پس از توقف سه روزه و غارت مدینه، متوجه می‌شود که حضرت مهدی # به سوی مکه رفته است. این سپاه در تعقیب حضرت به سوی مکه روانه می‌شود و در راه بین مدینه و مکه در بیابانی به نام «بیداء» به زمین فرو می‌رود و تنها دو نفر که چهره شان تغییر یافته است، نجات پیدا می‌کنند. یکی از این دو، برای اعلام این خبر به مهدی #، به مکه می‌رود و دیگری به سوی سفیانی رفته تا او را از عاقبت هولناک لشکرش بیم دهد.

پاران خاص امام مهدی # (۳۱۳ نفر)، در این مدتی که ایشان در مکه‌اند به خدمت او رسیده و برنامه ریزی‌های دولت نوید بخش مهدوی آغاز می‌شود. حضرت تا زمانی که حداقل ده هزار نفر برای آماده‌ی جنگ با سپاه سفیانی که در عراق به قتل و غارت شدید شیعیان می‌پردازند آماده نشده است، ظهور اکبر یعنی قیام خود را آغاز نمی‌کند. اما این تعداد از لشکر به زودی فراهم می‌شود (علاوه بر این که سید خراسانی و یمانی نیز همزمان با خروج سفیانی قیام کرده‌اند، و یمانی با لشکر سفیانی که وارد عراق شده بود می‌جنگد و آنها را نابود می‌کند). در این زمان سفیانی پس از

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۳۹

شش ماه جنگیدن برای سلطه در منطقه‌ی شامات بر شهرهای پنج‌گانه‌ی مذکور (دمشق، حمص، حلب، اردن و فلسطین) مسلط شده است. ضمن این‌که قبلاً گفتیم که پس از استیلاء بر شهرهای پنج‌گانه در طول شش ماه، فقط نه ماه تا سقوط کودتای او باقی مانده است.

اینک (شش ماه پس از خروج سفیانی و همزمان با استقرار دولت او بر شهرهای پنج‌گانه و حمله‌ی او به عراق و حجاز)، امام زمان # قیام خود را از مکه آغاز می‌کند و به سوی کوفه برای تعیین آن به عنوان پایتخت حکومتش و حرکت به سوی شام برای نابودی سفیانی رهسپار می‌شود.<sup>۱</sup> بنابراین فاصله‌ی خروج سفیانی (ماه رجب) تا قیام حضرت مهدی #، که دهم ماه محرم سال بعد خواهد بود، حدود شش ماه می‌باشد. و الله العالم.

## ۲- فاصله‌ی قیام مرد یمانی تا ظهور اکبر

اگرچه روایات به نحوی که به شرح زوایای زمان خروج، لشکر کشی‌ها، قتل‌ها و فساد و تباهی‌ها، مکان خروج و زمان نابودی سفیانی پرداخته‌اند، به توضیح پیرامون مرد یمانی نپرداخته‌اند، اما برای این مبحث ما همین قدر کافی است که بدانیم: مرد یمانی مردی است که

---


۱ - بعضی از مطالب این قسمت، از کتاب «زندگانی امام مهدی # از ولادت تا ظهور» اثر گرانقدر علامه سید محمد کاظم قزوینی & صفحات ۳۶۱ تا ۳۸۲ استفاده کرده‌ام.



قیام خود را همزمان با خروج سفیانی در ماه رجب، در همان روز، آغاز می‌کند. پرچم او پرچم هدایت بلکه هدایت کننده‌ترین پرچم‌هاست و هر مسلمانی که بتواند به او کمک کند، اما از او رویگردانی کند از اهل آتش خواهد بود.<sup>۱</sup>

بنابراین با توجه به همزمانی قیام او با سفیانی در یک سال و یک ماه و یک روز، فاصله‌ی قیام مرد یمانی تا ظهور اکبر حدود شش ماه خواهد بود و در زمان ظهور اکبر؛ یعنی قیام امام زمان # در مکه، سپاه هدایتی از کوفه (که به ظن قوی یا لشکر سید خراسانی است و یا سپاه مرد یمانی)، با لشکر سفیانی در هنگام خروج از عراق به سوی سفیانی در شام، وارد نبرد می‌شود و احدی از آنها را زنده رها نمی‌گذارد.

۱ - أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ أَبُو الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَظْرَةَ عَنْ أَبِيهِ وَ هُيَيْبِ بْنِ حَفْصِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ: ... خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَ الْيَمَانِيِّ وَ الْخُرَاسَانِيِّ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرِ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ يَنْظِمُ الْخُرَزَّ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضاً فَيَكُونُ النَّاسُ مِنْ كُلِّ وَجْهِ وَبَلٍ لِمَنْ نَاوَاهُمْ وَ لَيْسَ فِي الرَّأْيَاتِ رَأْيَةٌ أَهْدَى مِنْ رَأْيَةِ الْيَمَانِيِّ هِيَ رَأْيَةٌ هُدًى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَّمَ بَيْعَ السَّلَاحِ عَلَى النَّاسِ وَ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ إِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْهَضْ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَأْيَتَهُ رَأْيَةٌ هُدًى وَ لَا يَجِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِيَ عَلَيْهِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ.... غيبت نعمانی، صفحه‌ی ۲۵۳

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان  # ۴۱

اینک عراق از شر لشکر سفیانی پاکسازی شده است و امام در حلقه‌ی یاران قدرتمند خود با امنیت کامل به کوفه وارد می‌شود.

### ۳- فاصله‌ی ندای آسمانی (ظهور اصغر) تا ظهور اکبر

گفتیم که در سحرگاه روز بیست و سوم ماه مبارک رمضان، حضرت جبرئیل از آسمان به اسم قائم و حقانیت امیرالمؤمنین X و شیعیانش ندا می‌دهد به نحوی که همگان را (یعنی آنان که در انتظار چنین بشارتی نیستند) از مهیب صدای او ترسی عجیب فرا می‌گیرد. این نشانه از مهم‌ترین بلکه روشن‌ترین نشانه‌های حقانیت شیعه و علامت بارز ظهور حضرت مهدی # فی ظهوره خواهد بود. محتوای این ندا بر هیچ انسانی به هر زبان و عقیده‌ای که باشد مخفی نخواهد ماند و بنابراین با این ندای آسمانی، حجت بر تمام جهان تمام خواهد شد.

با توجه به آنچه گفته شد (اعلان ندا در اول روز بیست و سوم ماه مبارک رمضان)، فاصله‌ی ندای آسمانی با ظهور اکبر (قیام) امام مهدی #، سه ماه و هفده روز (یعنی صد و هفت روز) می‌باشد. در زمان ندای آسمانی، حضرت امام مهدی # در مدینه می‌باشد و ما این ندا را آغاز ظهور اصغر نامیده ایم. بنابراین ظهور اصغر در مدینه، در سحرگاه روز بیست و سوم ماه مبارک رمضان، با اعلان ندای آسمانی به اسم قائم و پدرش و حقانیت امیرالمؤمنین X و شیعیانش

توسط جبرئیل صورت می‌گیرد، و ظهور اکبر (قیام) در مکه، در روز شنبه دهم ماه محرم سال بعد، با اعلان «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»<sup>۱</sup> توسط خود حضرت انجام می‌شود، و فاصله‌ی این دو ظهور ۱۰۷ روز می‌باشد.

**۴- فاصله‌ی فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء بین مکه و مدینه تا ظهور اکبر**  
پس از خروج سفیانی و حمله‌ی او از سوریه به عراق، ظهور اصغر امام در مدینه رخ می‌دهد. سفیانی که از ظهور امام باخبر می‌شود، سپاهی برای دستگیری او به سوی مدینه می‌فرستد. لشکر سفیانی پس از سه روز غارت اموال مردم در مدینه و جستجوی امام، خبردار می‌شود که امام مهدی # به مکه رفته‌اند. لشکر برای تعقیب ایشان به سوی مکه می‌رود و در راه، بین مدینه و مکه به بیابان «بیداء» می‌رسد. در این زمان خداوند به جبرئیل دستور می‌دهد که آنها را در همان بیابان دفن کند. همه‌ی آن لشکر ستمکار گمراه (به جز دو نفر) به عاقبت ظلم و طغیان‌گری خود مبتلا شده، به زمین فرو می‌روند.<sup>۲</sup>

۱ - بحار الأنوار، جلد ۵۲، صفحه‌ی ۱۹۱، حدیث ۲۴

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ حَمْدَانَ الْخُصْبِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ وَعَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيُّ عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ مُحَمَّدِ بْنِ نَصِيرٍ عَنِ ابْنِ الْفَرَاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: ... ثُمَّ يُقْبَلُ عَلَى الْقَائِمِ رَجُلٌ وَجْهُهُ إِلَى قَفَاهُ وَ قَفَاهُ إِلَى صَدْرِهِ وَ يَتَّفِقُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَقُولُ أَنَا وَ أَخِي بَشِيرٌ أَمَرَنِي مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَنْ الْحَقَّ بَكَ وَ أَبْشَرَكَ بِهَلَاكِ السُّفْيَانِيِّ بِالْبَيْدَاءِ فَيَقُولُ لَهُ الْقَائِمُ بَيْنَ قِصَّتِكَ

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۴۳

ما نمی‌توانیم زمان دقیق فرو رفتن این لشکر نفرین شده را تعیین نمائیم، اما چون این لشکر برای دستگیری امام مهدی # به مدینه خواهد آمد، و آمدن این لشکر بعد از ظهور اصغر خواهد بود، می‌توان زمان فرو رفتن آنها در سرزمین بیداء را بین ظهور اصغر و ظهور اکبر (پس از خروج سفیانی و قیام مرد یمانی و ندای آسمانی و قبل از شهادت نفس زکیه) در نظر گرفت به نحوی به زمان ظهور اصغر نزدیکتر باشد.

#### ۵- فاصله‌ی شهادت مردی پاک سرشت (نفس زکیه) تا ظهور اکبر

گفتیم که او جوان‌مردی هاشمی و نماینده‌ی حضرت امام مهدی # به نام «محمدبن الحسن» معروف به «نفس زکیه» است، که امام او را برای اعلام پیام خود به سوی اهل مکه می‌فرستد، ولی مکیان (به احتمال بسیار قوی وهابی‌های گمراه و متعصب در گمراهی)

---

وَ قِصَّةَ أَخِيكَ نَذِيرٍ فَيَقُولُ الرَّجُلُ كُنْتُ وَأَخِي نَذِيرٌ فِي جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ فُخِرْنَا الدُّنْيَا مِنْ دِمَشْقَ إِلَى الزُّوْرَاءِ وَ تَرَكْنَاهُمْ حُمَاً وَ خَرَبْنَا الْكُوفَةَ وَ خَرَبْنَا الْمَدِينَةَ وَ رَوَّيْتُ أَبْغَالَنَا فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَرَجْنَا مِنْهَا نَزِيدَ مَكَّةَ وَ عَدَدُنَا ثَلَاثُمِائَةَ أَلْفِ رَجُلٍ نَزِيدَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ وَ خَرَابَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ وَ قَتَلَ أَهْلِهِ فَلَمَّا صِرْنَا بِالْبَيْدَاءِ عَرَسْنَا بِهَا فَصَاحَ صَانِحٌ يَا نَبِيْدَاءُ بِيْدِي بِالْقَوْمِ الْكَافِرِينَ فَانْفَجَرَتِ الْأَرْضُ وَ ابْتَلَعَتْ ذَلِكَ الْجَيْشَ فَوَاللَّهِ مَا بَقِيَ عَلَى الْأَرْضِ عِقَالُ نَاقَةٍ وَ لَا سِوَاهُ غَيْرِي وَ أَخِي نَذِيرٍ فَإِذَا بِمَلِكٍ قَدْ ضَرَبَ وَجُوْهَنَا إِلَى وَرَاءِ كَمَا تَرَانَا وَ قَالَ لِأَخِي وَبَلِكَ يَا نَذِيرُ أَنْذِرِ الْمَلْعُونَ بِدِمَشْقَ بِظُهُورِ مَهْدِيَّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ جَيْشَهُ بِالْبَيْدَاءِ وَ قَالَ لِي يَا بَشِيرُ الْحَقُّ بِالْمَهْدِيِّ بِمَكَّةَ فَبَشَّرَهُ بِهَلَاكِ السُّفْيَانِيِّ وَ نُبَّ عَلَى يَدِهِ فَإِنَّهُ يَقْبَلُ تَوْبَتَكَ فَيَمِرُ الْقَائِمُ يَدُهُ عَلَى وَجْهِهِ فَيَرُدُّهُ سَوِيًّا كَمَا كَانَ وَ يُبَايِعُهُ وَ يَسِيرُ مَعَهُ. الهداية الكبرى، حسين بن حمدان خصيبى، صفحه‌ی ۳۹۸

او را در روز ۲۵ ذی‌الحجه در کنار خانه‌ی خدا بین رکن و مقام سر می‌برند. بنابراین شهادت محمد بن الحسن ملقب به نفس زکیه دقیقاً پانزده روز قبل از قیام قائم (ظهور اکبر) خواهد بود.

حضرت امام صادق  $\times$  می‌فرماید: بین قیام قائم و شهادت نفس زکیه پانزده روز فاصله است.<sup>۱</sup>

البته به این نکته‌ی مهم باید توجه نمود که در بعضی از روایات آمده است که «حضرت قائم # به اصحابش (یاران خاص) می‌فرماید که اهل مکه ما را نمی‌خواهند، ولی من نماینده‌ای به سوی آنها می‌فرستم تا حجت بر آنها اقامه کنم. سپس یکی از یارانش را (همان نفس زکیه) به سوی آنها می‌فرستد...»<sup>۲</sup> با توجه به این روایت و

۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرَبَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ شُعَيْبِ الْحَذَّاءِ عَنْ صَالِحِ مَوْلَى بَنِي الْعَدْرَاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ ع يَقُولُ لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَبَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسُ عَشْرَةَ لَيْلَةً. كمال‌الدين، جلد ۲، صفحه ۶۴۹

۲ - أَبُو بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ إِلَى أَنْ قَالَ: يَقُولُ الْقَائِمُ ع لِأَصْحَابِهِ يَا قَوْمَ إِنِّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنِي وَ لَكِنِّي مُرْسِلٌ إِلَيْهِمْ لِأَحْتِجَّ عَلَيْهِمْ بِمَا يَنْبَغِي لِمَنْ لِي أَنْ يَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ فَيَدْعُوا رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَيَقُولُ لَهُ امضْ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ فَقُلْ يَا أَهْلَ مَكَّةَ أَنَا رَسُولُ فَلَانِ إِلَيْكُمْ وَ هُوَ يَقُولُ لَكُمْ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ مَعْدِنِ الرُّسَالَةِ وَ الْخِلَافَةِ وَ نَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَ سَلَالَةُ النَّبِيِّينَ وَ إِنَّا قَدْ طَلَبْنَا وَ احْطَطْنَا وَ قُهِرْنَا وَ ابْتُرْنَا مِنَّا حَقًّا مُنْذُ قَبِضِ نَبِيِّنَا إِلَى يَوْمِنَا هَذَا فَنَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ فَأَنْصِرُونَا فَإِذَا تَكَلَّمْتَ هَذَا الْفَتَى بِهَذَا الْكَلَامِ أَتَوْا إِلَيْهِ فَذَبَحُوهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ هِيَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ فَإِذَا بَلَغَ ذَلِكَ الْإِمَامُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۴۵

روایاتی که قبلاً ذکر شد، روشن است که حضرت مهدی # پس از ظهور اصغر در مدینه و آمدن به مکه، چند ماهی جهت تکمیل حلقه‌ی یاران خود در منطقه‌ای از کوه «ذی طوی» به صورت مخفیانه ساکن می‌شود.<sup>۱</sup> و در آنجاست که به درخواست بعضی از یاران، نفس زکیه را به سوی اهل مکه می‌فرستد.

---

أَلَا أَخْبَرْتُمْ أَنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنَا فَلَا يَدْعُونَهُ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَهْبِطُ مِنْ عَقَبَةِ طَوًى فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرِ حَتَّى يَأْتِيَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَيُصَلِّي فِيهِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَ يُسَبِّدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ ثُمَّ يَحْمَدُ اللَّهَ وَ يُثْنِي عَلَيْهِ وَ يَذْكُرُ النَّبِيَّ ص وَ يُصَلِّي عَلَيْهِ وَ يَتَكَلَّمُ بِكَلَامٍ لَمْ يَتَكَلَّمْ بِهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يَضْرِبُ عَلَى يَدِهِ وَ يُبَايِعُهُ جَبْرِئِيلُ وَ مِيكَائِيلُ...

بحار الأنوار، جلد ۵۲، صفحه‌ی ۳۰۷ حدیث ۸۱

۱ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ ع أَنَّ الْقَائِمَ يَهْبِطُ مِنْ نَبْتِ ذِي طَوًى فِي عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا حَتَّى يُسَبِّدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَ يَهْزُ الرَّاْيَةَ الْعَالِيَةَ. قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ: فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ

ع فَقَالَ: كِتَابٌ مَنْشُورٌ. غيبت نعمانی، صفحه‌ی ۳۱۵

**۳. آیا این یاران خاص، تعیین شده‌اند و نام و یا مکان زندگی آنها در روایات ذکر شده است؟**

روایاتی که در این مبحث موجودند، در تعیین یاران خاص امام مهدی # به چهار روش اشاره نموده‌اند؛ تعیین از لحاظ جنسیت، تعیین از لحاظ ملیت، تعیین از لحاظ شهر و تعیین از لحاظ شخص. ما برای سهولت کار، شهر و شخص را در یک عنوان ذکر خواهیم کرد و بنابراین به سه روش اشاره خواهیم نمود:

**(۱) تعیین از لحاظ جنسیت (یاران خاص همگی مردند و هیچ زنی «از» یاران خاص؛ یعنی از ۳۱۳ نفر نیست):**

**اولاً** هر چه روایت در باب ۳۱۳ موجود است با این لفظ «رجلاً» آمده است که «مرد» بودن را می‌رساند.

**ثانیاً** در بعضی از روایات برای این افراد وصف «وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ» آمده است که به معنای این است که آنها پرچمداران سپاه و حاکمان خداوند بر مردم در زمینند.

**ثالثاً** ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق × سؤال کردم: فدایت شوم، آیا امیرالمؤمنین × همانطور که تعداد اصحاب قائم را می‌دانست، آنها را هم می‌شناخت؟ امام صادق × فرمود: پدرم به من فرمود که به

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۴۷

خدا قسم امیرالمؤمنین × نام آنها و نام پدرانشان را مرد به مرد می‌دانست. و از نام قبیله هایشان و آدرس هایشان آگاه بود. پس هرچه امیرالمؤمنین × می‌دانست، امام حسن × و سپس امام حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی ÷ می‌دانستند و آنچه آنها می‌دانستند من [امام صادق ×] می‌دانم. ابوبصیر می‌گوید عرض کردم: فدایت کردم، مرا از تعدادشان و شهرهایشان و مکان‌هایشان خبر ده، این کفایت از اسم‌هایشان می‌کند. فرمود: روز جمعه پس از نماز بیا.... [سپس امام صادق × تعداد یاران امام مهدی # را که همه مرد هستند، از هر شهری ذکر می‌فرمایند]. ابوبصیر می‌گوید عرض کردم: آیا در آن روز هیچ مؤمنی غیر از اینها وجود ندارد؟ فرمود: بله، ولی اینها نُجَبَاء و قاضیان و حاکمان و فقهاء در دین هستند.<sup>۱</sup>

---

۱ - حدثني ابوالحسن محمد بن هارون قال حدثنا أبي هارون بن موسى بن أحمد قال حدثنا ابوعلی الحسن بن محمد النهاوندي قال حدثنا ابو جعفر محمد بن إبراهيم بن عبد الله القمي القطان المعروف بابن الخزاز قال حدثنا محمد بن زياد عن أبي عبد الله الخراساني قال حدثنا ابو حسان سعيد بن جناح عن مسعدة بن صدقة عن أبي بصير عن أبي عبد الله قال قلت له جعلت فداك هل كان أمير المؤمنين يعلم أصحاب القائم كما كان يعلم عدتهم قال ابو عبد الله حدثني أبي قال والله لقد كان يعرفهم بأسمائهم و أسماء آبائهم و قبائلهم رجلا فرجلا و مواضع منازلهم و مراتبهم فكلما عرفه أمير المؤمنين عرفه الحسن و كلما عرفه الحسن فقد صار علمه إلى الحسين و كلما عرفه الحسين فقد عرفه علي بن الحسين و كلما علمه علي بن الحسين فقد صار علمه إلى محمد بن علي و كلما قد علمه محمد بن علي فقد علمه و عرفه صاحبكم يعني نفسه. قال ابوبصير قلت مكتوب قال فقال



اما اگر کسی روایتی را که بحار الأنوار از تفسیر عیاشی از جابر جُعیفی از امام باقر × نقل کرده که فرمود: «... وَ يَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً...»<sup>۱</sup> (بخدا قسم سیصد و سیزده مرد می‌آیند که پنجاه زن در آنهاست)، بر این مطلب حمل کند که از ۳۱۳ نفر، ۵۰ نفر زن و ۲۶۳ مرد هستند، ناشی از عدم درایت در روایت است. چرا که؛

**اولاً:** روایت عبارت «ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا»؛ یعنی سیصد و سیزده مرد دارد.

**و ثانیاً:** می‌فرماید پنجاه زن «در» آنهاست (نه «از» آنها)؛ یعنی فرموده است: «فِيهِمْ» (نه «مِنْهُمْ»). روشن است که بعضی از یاران خاص امام، همسرشان را نیز به همراه خود می‌برند، و این مطلب بعد

أبو عبد الله مكتوب في كتاب محفوظ في القلب مثبت في الذكر لا ينسى قال قلت جعلت فداك أخبرني بعددهم و بلدانهم و مواضعهم فذاك يقتضى من أسمائهم قال فقال إذا كان يوم الجمعة بعد الصلاة فأتيتي قال فلما كان يوم الجمعة أتيتته فقال يا أبا بصير أتيتنا لما سألتنا عنه قلت نعم جعلت فداك قال إنك لا تحفظ فأين صاحبك الذي يكتب لك فقلت أظن شغله شاغل و كرهت أن أتأخر عن وقت حاجتي فقال للرجل في مجلسه اكتب له هذا ما أملاه رسول الله على أمير المؤمنين و أودعه إياه من تسمية أصحاب المهدي..... قال أبو بصير قلت جعلت فداك ليس على الأرض يومئذ مؤمن غيرهم قال بلى و لكن هذه التي يخرج الله فيها القائم و هم النجباء و القضاة و الحكام و الفقهاء في الدين. دلائل الإمامة ص: ۳۰۷-۳۰۹

از آنچه که از زندگی سرداران شهید دفاع مقدس (که سلام خدا بر آنها باد) نقل می‌شود که همسران خود را نیز به همراه می‌بردند، به راحتی قابل هضم است. البته این پنجاه بانوی بزرگ که اضافه بر ۳۱۳ یار خاص امام هستند (۳۱۳+۵۰) و به برکت وجود همسرانشان در جمع آنها حضور دارند، از بهترین زنان روزگارند.

#### ۲) تعیین از لحاظ ملیت (یاران خاص هیچکدام از نسل عرب نیستند):

ابی‌جارود از امام باقر × روایت کرده که فرمود: اصحاب قائم ۳۱۳ مردند که همه از اولاد عجم هستند...<sup>۱</sup>

بعضی گمان کرده‌اند که این روایت نمی‌تواند درست باشد، یا این‌که آن را به نحوی باید توجیه کرد، زیرا برخی روایات نام ۳۱۳ نفر را از شهرهای عربی و با اسمهای عربی ذکر می‌کند.

ولی حقیقت این است که روایاتی که نام بعضی ۳۱۳ نفر را از شهرهای عربی ذکر کرده است، آنها را از شهرهای عربی و ساکن در آن ذکر می‌کند نه این‌که آنها را عرب می‌داند. حتی اگر عرب زبان هم باشند، صحیح است بگوییم که «اصحاب قائم ۳۱۳ نفرند و همه از اولاد عجم هستند»، زیرا این روایت در مقام بیان این است که بفرماید

۱ - أَحْمَدُ بْنُ هُوْدَةَ عَنِ النَّهَائِنْدِيِّ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنِ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ أَصْحَابُ الْقَائِمِ ۳۱۳ رَجُلًا أَوْلَادُ الْعَجَمِ... بحار الأنوار ج ۵۲ صفحه ۳۶۹

هیچکدام از ۳۱۳ نفر از نسل عرب نیستند و تناقضی ندارد اگر بعضی از آنها عرب زبان باشند یا پدر، جد، یا بعضی از اجداد آنها در شهرهای عربی ساکن شده باشند. مانند این که کسی بگوید: «سادات، عرب و از نسل پیغمبرند و فارس، ترک، لر، کرد و ... نیستند» این جمله تناقضی ندارد با وجود این همه سادات فارس، ترک، لر، کرد و ... (کثرهم الله تعالی).

روایت ابان از امام صادق × نیز بر این مطلب اشاره دارد:

ابان بن تغلب می گوید:

امام صادق × فرمود: ۳۱۳ نفر به مسجد شما [یعنی مسجد الحرام] می آیند که اهل مکه می دانند که آباء و اجدادشان [یعنی آباء و اجداد اهل مکه] آنها را به دنیا نیاورده اند [یعنی عرب نیستند].<sup>۱</sup>

روایتی روشن تر در این مورد در کتاب غیبت شیخ طوسی وجود

دارد که بر غیر عرب بودن یاران خاص امام مهدی # دلالت دارد:

امام صادق × می فرماید:

۱ - عَنْ ابَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ سَبَّأَتِي فِي مَسْجِدِكُمْ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا يُعْنِي مَسْجِدَ مَكَّةَ يَعْلَمُ أَهْلُ مَكَّةَ أَنَّهُ لَمْ يَلِدْهُمْ آبَاؤُهُمْ وَ لَأَ أَجْدَادُهُمْ.... بحار الأنوار جلد ۵۲ صفحه ۲۸۶

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۵۱

از عرب پرهیز کن، چرا که خبر بدی درباره‌ی آنها وجود دارد؛ این‌که هیچ‌کس از آنها (به عنوان یار خاص) با حضرت قائم # خروج نمی‌کند.<sup>۱</sup>

ممکن است کسی بگوید که منظور این روایت شاید این باشد که هیچ‌کس از اعراب، یار امام زمان # نخواهد بود و این اعم از یاران خاص (۳۱۳ نفر) و یاران عام است.

در جواب می‌گوئیم که علاوه بر این‌که این حرف، بعید بلکه ناصحیح است و نه تنها راه حل نبوده، بلکه مشکل بزرگ تری را ایجاد می‌کند، زیرا بدون شک اعراب شیعه از یاران امام زمان # خواهند بود، دلالت الفاظ «لَا يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ» بر خروج به همراه او به عنوان یار خاص بودن، روشن است. زیرا جمع شدن دیگران، حتی حلقه‌ی اول سپاه مهدی #، که متشکل از ده هزار نفر است، پس از خروج او و جمع شدن ۳۱۳ نفر پیرامون او خواهد بود. بنابراین عبارت «مَعَ الْقَائِمِ» را باید به معیت تقریبی با او در خروج تفسیر کرد که همان خروج ۳۱۳ نفر از یاران خاص او می‌باشد.

---

۱ - الْفَضْلُ بْنُ شَادَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِيهِ أَسْبَاطِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُوسَى الْأَبَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ قَالَ اتَّقِ الْعَرَبَ فَإِنَّ لَهُمْ خَبَرَ سَوْءٍ أَمَا إِنَّهُ لَا يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ مِنْهُمْ وَاحِدًا. غيبت شيخ

روایت زیر دلیلی بر جواب ماست:

علی بن ابی حمزه از ابوبصیر از امام صادق × روایت کرده که فرمودند: «قائم # از بلندای کوه ذی طوی [کوهی در شمال شرقی مکه و در مسیر حاجیانی که از مسجد تنعیم مُحرم می‌شوند] با افرادی به تعداد اصحاب بدر، ۳۱۳ نفر، به سوی مکه پایین می‌آید تا این‌که پشتش را به حجرالأسود تکیه می‌دهد و پرچم غالب را به اهتزاز در می‌آورد.» علی بن ابی حمزه می‌گوید: این روایت را به امام موسی کاظم × نقل کردم فرمودند: [پرچم غالب] کتابی است منشور.<sup>۱</sup>

### ۳) تعیین از لحاظ شهر و نام

در بعضی از روایات نام یاران خاص امام مهدی # و نام شهرهای آنها ذکر شده است که با جستجوی تقریباً کاملی که از منابع روایی موجود در دسترس به عمل آمد، می‌توان گفت:

درباره‌ی ذکر شخص‌ها و شهرهای یاران خاص، پنج روایت در دسترس ماست که عبارتند از:

۱ - حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ ع أَنَّ الْقَائِمَ يَهْبِطُ مِنْ تَيْبَةَ ذِي طُوى فِي عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا حَتَّى يُسَيِّدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَ يَهْزُ الرِّايَةَ الْغَالِبَةَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع فَقَالَ كِتَابٌ مَنْشُورٌ غَيْبٌ نَعْمَانِي، صفحه‌ی ۳۱۵

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۵۳

روایت «دلائل الإمامة» از ابوبصیر از حضرت امام صادق × که در آن روایت، امام فقط شهرهای یاران خاص قائم # را ذکر می‌نماید:

«ابوبصیر می‌گوید: خدمت امام صادق × عرض کردم: فدایت شوم! آیا امیرالمؤمنین × همانطور که تعداد یاران قائم # را می‌دانست، آنها را هم می‌شناخت؟ فرمود: پدرم به من فرمود: «به خدا قسم امیرالمؤمنین × نام آنها را و نام پدرانشان را نفر به نفر و نام قبیله‌هاشان و محل و مسکن و جایگاه‌های آنها را همه می‌دانست». و تمام آنچه‌راکه امیرالمؤمنین × می‌دانست، امام‌حسن و امام‌حسین ÷ و امام‌علی‌بن‌الحسین × و امام‌محمدبن‌علی × می‌دانستند. و تمام آن چه را که امام‌محمدبن‌علی × می‌دانست من آن را می‌دانم. ابوبصیر سؤال کرد: نام آنها نوشته شده است؟

امام فرمود: در کتابی نوشته شده و در قلب ما حفظ شده و در یاد ما ثابت شده که فراموش نمی‌شود.

ابوبصیر می‌گوید عرض کردم: فدایت گردم! از تعداد آنها و نام شهرشان و محل سکونت‌شان مرا آگاه کن.  
امام فرمود: روز جمعه بعد از نماز نزد من بیا.

ابوبصیر می‌گوید: بعد از نماز روز جمعه خدمت ایشان رسیدم. فرمود: ای ابوبصیر! برای جواب آنچه که سؤال کرده بودی آمده‌ای؟ گفتم: بله. فرمود: تو نمی‌توان آنها را حفظ کنی. آن کسی که همیشه با توست و برایت می‌نویسد کجاست؟ گفتم: احتمالاً کاری داشته است که نیامده. و من از ترس تأخیر، تنها آمدم.

پس امام X به مردی که در آن مجلس بود فرمود:  
برای او بنویس! «این‌ها اسامی یاران مهدی # است که حضرت رسول‌الله | بر امیرالمؤمنین X إملا نموده است. کسانی که از رختخواب‌هایشان و از قبیله‌هایشان مفقود می‌شوند و به خدمت او می‌رسند. کسانی که شب و روز هنگام شنیدن صدای صیحه‌ی آسمانی در سالی که ظهور می‌فرماید، به سوی مکه می‌روند. آنها نُجَبَاء و قُضَات و حاکمان مردمند...»<sup>۱</sup>

روایت «دلائل الإمامة» از سماعة بن مهران از حضرت امام صادق X که سماعة در آن می‌گوید:

«ابوبصیر از امام صادق X درباره‌ی تعداد اصحاب قائم سؤال کرد، پس ایشان او را از تعدادشان و جایگاه‌هایشان باخبر نمود.

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۵۵

ابوبصیر می‌گوید: سال بعد دوباره خدمت حضرت رسیدم و عرض کردم: قصه‌ی «مُرابط سائح» [که از اصحاب مهدی # است] چیست؟ فرمود: او مردی از فرزندان دهقان‌های اصفهان است...»<sup>۱</sup>

روایت «دلائل الإمامة» از ابوبصیر از امام صادق X که بعداً دوباره ابوبصیر خدمت امام می‌رسد و نام خود یاران خاص قائم را درخواست می‌نماید:

«با همان سند اول [روایتی که در قسمت ۱ گذشت] نقل شده است که بعداً حضرت امام صادق X، نام یاران قائم را برای ابوبصیر ذکر نمود و فرمود: آن کسی که در طاربنند شرقی است؛ بُندار فرزند احمد است از محله‌ای به نام بازان. او همان سیّاح مُرابط است...»<sup>۲</sup>

روایت «التشريف بالمنن» از کتاب «الفتن» سلیلی از ابوخالد کلبی از امیرالمؤمنین X:

«ابوصالح سلیلی در کتاب «فتن» با سند خود از اصیغ بن نباته روایت کرده است که گفت: روزی حضرت امیرالمؤمنین X خطبه‌ای برای ما خواند و در آن خطبه از مهدی # و نام کسانی که با او خروج می‌کنند، یاد کرد. پس ابوخالد کلبی به ایشان عرض کرد: ای

۱ - ترجمه‌ی روایت دلائل الإمامة، صفحه‌ی ۵۶۲

۲ - ترجمه‌ی روایت دلائل الإمامة، صفحه‌ی ۵۶۶



امیرمؤمنان! مهدی # را برای ما وصف کن. امیرالمؤمنین × فرمود:  
 او شبیه‌ترین افراد از لحاظ شمائل و اخلاق و زیبایی به رسول  
 خدا | است. آیا می‌خواهید شما را از یاران او و تعداد آنها باخبر  
 کنم؟ عرض کردیم: بله یا امیرالمؤمنین. فرمود: از رسول خدا |  
 شنیدم که فرمود: اول آنها از بصره است و آخر آنها از یمامه...<sup>۱</sup>  
 روایت «الزام الناصب» از ابن مسعود رسلاً از امیرالمؤمنین ×:  
 «... آگاه باشید که من نام آنها را و نام شهرهایشان را می‌دانم. پس  
 گروهی از یاران او بلند شدند و به او عرض کردند: یا امیرالمؤمنین! به  
 خدا و به رسول خدا | تو را قسم می‌دهیم که نام آنها و نام  
 شهرهایشان را به ما بگوئی که از وصف کلامت دل‌هایمان آب شد.  
 امیرالمؤمنین × فرمود: بشنوید! اول آنها از بصره است و آخر آنها  
 از ابدال...»<sup>۲</sup>

ما در اینجا، به دلیل آنچه در پاورقی ۱ صفحه ۶۱ نوشته‌ایم،  
 روایت «دلایل الإمامه» را که در آن هم شخص‌ها و هم شهرهای آنها

۱ - ترجمه‌ی روایت التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، صفحه‌ی ۲۸۸

۲ - ترجمه‌ی روایت إلیزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛ ج ۲ :

را ذکر نموده است، نقل می‌نمائیم، [و به دلیل آن چه که با اهداف این تحقیق سازگار است، از ترجمه‌ی این روایت خودداری می‌کنیم]:

وَبِالإِسْنَادِ الْأَوَّلِ [حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي هَارُونَ بْنُ مُوسَى بْنِ أَحْمَدَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ النَّهْأَوْنَدِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقَمِيُّ الْقَطَّانُ، الْمَعْرُوفُ بِأَبْنِ الْخَزَّازِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْخُرَّاسَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ الزُّهْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو حَسَّانَ سَعِيدُ بْنُ جَنَاحٍ، عَنْ مَسْعُودَةَ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ:]<sup>۱</sup>

۱ - سیدبن طاووس در «التشريف بالمنن في التعريف بالفتن» صفحه‌ی ۳۷۵ درباره‌ی سند این روایت می‌نویسد: «فصلٌ فيما رأينا من عدة أصحاب القائم عليه السلام، و تعيين مواضعهم من كتاب يعقوب بن نعيم بن قرقارة الكاتب أبي يوسف. قال النجاشي - الذي زكاه محمد بن النجار - : إن يعقوب بن نعيم المذكور روى عن الرضا X، و كان جليلا في أصحابنا ثقة. و رأينا ما نقله في نسخة عتيقة لعلها كتبت في حياته، و عليها خط السعيد فضل الله الراوندي قدس الله روحهما، فقال ما هذا لفظه: حدثنى أحمد بن محمد الأسدي عن سعيد بن جناح عن مسعدة أن أبا بصير قال لجعفر بن محمد: هل كان أمير المؤمنين يعلم مواضع أصحاب القائم كما كان يعلم عدتهم....»

أَمَّا الَّذِي فِي طَارِبِنْدِ الشَّرْقِيِّ: بُنْدَارُ ابْنِ أَحْمَدَ مِنْ سِكَّةٍ تُدْعَى بَازَانَ،  
وَهُوَ السِّيَاحُ الْمُرَابِطُ.

وَمِنْ أَهْلِ الشَّامِ رَجُلَانِ: يُقَالُ لَهُمَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الصَّبَّاحِ، وَيُوسُفُ بْنُ  
صَرِييَا؛ فَيُوسُفُ عَطَّارٌ مِنْ أَهْلِ دِمَشْقَ، وَإِبْرَاهِيمُ قَصَّابٌ مِنْ قَرْيَةٍ  
سُوَيْقَانَ.

وَمِنْ الصَّامِعَانَ: أَحْمَدُ بْنُ عُمَرَ الْخَيْطُ مِنْ سِكَّةِ بَزِيعِ، وَعَلِيُّ بْنُ  
عَبْدِ الصَّمَدِ التَّاجِرُ مِنْ سِكَّةِ النَّجَّارِينَ.

وَمِنْ أَهْلِ سَيْرَافَ: سَلَمُ الْكُوسَجُ الْبَزَّازُ مِنْ سِكَّةِ الْبَاعِ، وَخَالِدُ بْنُ  
سَعِيدِ بْنِ كَرِيمِ الدَّهْقَانِ، وَالْكَلَيْبُ الشَّاهِدُ مِنْ دَانَشَاهَ.

وَمِنْ مَرُورُودَ: جَعْفَرُ الشَّاهِ الدَّقَّاقُ، وَجُورُ مَوْلَى الْخَصِيبِ.

وَمِنْ مَرُورُودَ عَشْرَ رَجُلًا، وَهُمْ: بُنْدَارُ بْنُ الْخَلِيلِ الْعَطَّارُ، وَ مُحَمَّدُ  
بْنُ عُمَرَ الصَّيْدَانِيُّ، وَ عُرَيْبُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ كَامِلِ، وَ مَوْلَى قَحْطَبَةَ، وَ  
سَعْدُ الرَّومِيِّ، وَ صَالِحُ بْنُ الرَّحَالِ، وَ مُعَاذُ بْنُ هَانِي، وَ كُرْدُوسُ الْأَزْدِيُّ،  
وَ دُهَيْمُ بْنُ جَابِرِ بْنِ حَمِيدِ، وَ طَاشِفُ بْنُ عَلِيِّ الْفَاجَانِيِّ، وَ قَرَعَانُ بْنُ  
سُوَيْدِ، وَ جَابِرُ بْنُ عَلِيِّ الْأَحْمَرِ، وَ حَوْشَبُ بْنُ جَرِيرِ.

وَمِنْ بَاوَرْدَ تِسْعَةُ رَجَالٍ: زِيَادُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جَحْدَبِ، وَ  
الْعَبَّاسُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ قَارِبِ، وَ سَحِيقُ بْنُ سُلَيْمَانَ الْحَنَاطُ، وَ عَلِيُّ بْنُ  
خَالِدِ، وَ سَلَمُ بْنُ سُلَيْمِ بْنِ الْفَرَاتِ الْبَزَّازِ، وَ مَحْمُودُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ

عَلِيٍّ، وَ جَرِيرُ بْنُ رُسْتَمِ بْنِ سَعْدِ الْكَيْسَانِيِّ، وَ حَرْبُ بْنُ صَالِحٍ، وَ عُمَارَةُ  
بْنُ مَعْمَرٍ.

وَ مِنْ طُوسِ أَرْبَعَةِ رِجَالٍ: شَهْمَرْدُ بْنُ حُمَرَانَ، وَ مُوسَى بْنُ مَهْدِيِّ، وَ  
سَلَيْمَانَ بْنَ طَلِيْقٍ مِنَ الْوَادِ- وَ كَانَ الْوَادُ مَوْضِعَ قَبْرِ الرِّضَا (عَلَيْهِ  
السَّلَامُ)- وَ عَلِيُّ بْنُ السَّنْدِيِّ الصِّيْرَفِيِّ.

وَ مِنْ الْفَارِيَّابِ: شَاهُوَيْهَ بْنَ حَمَزَةَ، وَ عَلِيُّ بْنُ كَلْثُومٍ مِنْ سِيكَّةٍ تُدْعَى  
بَابَ الْجَبَلِ.

وَ مِنْ الطَّلَقَانِ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ رَجُلًا: الْمَعْرُوفُ بَابِنِ الرَّازِيِّ الْجَبَلِيِّ،  
وَ عَبْدُ اللَّهِ ابْنُ عُمَيْرٍ، وَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَمْرٍو، وَ سَهْلُ بْنُ رِزْقِ اللَّهِ، وَ  
جَبْرِيلُ الْحَدَّادُ، وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي عَلِيٍّ الْوَرَّاقُ، وَ عِبَادَةُ بْنُ جُمُهورٍ، وَ  
مُحَمَّدُ بْنُ جِيهَارٍ، وَ زَكَرِيَّا بْنُ حَبَّه، وَ بَهْرَامُ بْنُ سَرْحٍ، وَ جَمِيلُ بْنُ عَامِرٍ  
بْنِ خَالِدٍ، وَ خَالِدٌ وَ كَثِيرٌ مَوْلَى جَرِيرٍ، وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ قُرْطُبِ بْنِ سَلَامٍ، وَ  
فَزَارَةُ بْنُ بَهْرَامٍ، وَ مُعَاذُ بْنُ سَالِمِ بْنِ جَلِيدِ التَّمَارِ، وَ حَمِيدُ بْنُ إِبْرَاهِيمِ بْنِ  
جُمُعَةَ الْغَزَالِ، وَ عُقْبَةُ بْنُ وَفْرِ بْنِ الرَّبِيعِ، وَ حَمَزَةُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ جُنَادَةَ  
مِنْ دَارِ الرَّزْقِ، وَ كَائِنُ ابْنُ حَنِيْدِ الصَّائِغِ، وَ عَلَقْمَةُ بْنُ مُدْرِكٍ، وَ مَرْوَانَ  
بْنَ جَمِيلِ بْنِ وَرْقَاءَ، وَ ظُهُورٌ مَوْلَى زُرَّارَةَ ابْنِ إِبْرَاهِيمِ، وَ جُمُهورُ بْنُ  
الْحُسَيْنِ الزَّجَّاجِ، وَ رِيَّاشُ بْنُ سَعْدِ بْنِ نَعِيمٍ.

وَ مِنْ سِجِسْتَانَ: الْخَلِيلُ بْنُ نَصْرِ بْنِ أَهْلِ زَنْجٍ، وَ تُرْكُ بْنُ شَبَهٍ، وَ  
إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَلِيٍّ.

وَ مِنْ غَوْرَ ثَمَانِيَةَ رِجَالٍ: مُحِجُّ بْنُ خَرْبُودَ، وَ شَاهِدُ بْنُ بُنْدَارَ، وَ دَاوُدُ  
بْنَ جَرِيرٍ، وَ خَالِدُ بْنُ عَيْسَى، وَ زِيَادُ بْنُ صَالِحٍ، وَ مُوسَى بْنُ دَاوُدَ، وَ  
عَرَفُ الطَّوِيلُ، وَ ابْنُ كُرْدٍ.

وَ مِنْ نَيْسَابُورَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رِجُلًا: سَمْعَانُ بْنُ فَاحِرٍ، وَ أَبُو لُبَابَةَ بْنُ  
مُدْرِكٍ، وَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ يُوسُفَ الْقَصِيرِ، وَ مَالِكُ بْنُ حَرْبِ بْنِ سُكَيْنٍ، وَ  
زُرُودُ بْنُ سَوَّكَنَ، وَ يَحْيَى بْنُ خَالِدٍ، وَ مُعَاذُ بْنُ جَبْرِئِيلَ، وَ أَحْمَدُ بْنُ عَمْرٍ  
بْنَ زُفَرَ، وَ عَيْسَى بْنُ مُوسَى السَّوَّاقِ، وَ يَزِيدُ ابْنَ دُرُسْتِ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ  
حَمَادِ بْنِ شَيْتِ، وَ جَعْفَرُ بْنُ طَرْخَانَ، وَ عَلَّانُ مَاهَوِيَّهِ، وَ أَبُو مَرِيَمَ، وَ  
عَمْرُو بْنُ عُمَيْرِ بْنِ مِطْرَفٍ، وَ بَلِيلُ بْنُ وَهَائِدِ بْنِ هُوْمَرْدِيَارَ.

وَ مِنْ هَرَاةَ اثْنَا عَشَرَ رِجُلًا: سَعِيدُ بْنُ عُثْمَانَ الْوَرَّاقِ، وَ مَاسِيحُ بْنُ  
عَبْدِ اللَّهِ ابْنَ نَيْلٍ، وَ الْمَعْرُوفُ بَعْلَامُ الْكِنْدِيِّ، وَ سَمْعَانُ الْقَصَّابُ، وَ هَارُونُ  
بْنَ عِمْرَانَ، وَ صَالِحُ بْنُ جَرِيرٍ، وَ الْمُبَارَكُ بْنُ مَعْمَرِ بْنِ خَالِدٍ، وَ عَبْدُ  
الْأَعْلَى بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِهِ، وَ نُزَلُ ابْنُ حَزْمٍ، وَ صَالِحُ بْنُ نَعِيمٍ، وَ آدَمُ بْنُ  
عَلِيٍّ، وَ خَالِدُ الْقَوَّاسِ.

وَ مِنْ أَهْلِ بُوَسْنَجِ أَرْبَعَةُ رِجَالٍ: طَاهِرُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ طَاهِرٍ، الْمَعْرُوفُ  
بِالْأَصْلَعِ، وَ طَلْحَةُ بْنُ طَلْحَةَ السَّائِحِ، وَ الْحَسَنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مِسْمَارٍ، وَ  
عَمْرُو بْنُ عَمَرَ بْنِ هِشَامٍ.

وَ مِنْ الرِّىِّ سَبْعَةٌ رِجَالٍ: إِسْرَائِيلُ الْقَطَّانُ، وَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ  
خُرَزَادٍ، وَ عُثْمَانُ ابْنُ عَلِيٍّ بْنِ دَرَخْتِ، وَ مُسْكَانُ بْنُ جَبَلِ بْنِ مُقَاتِلِ، وَ  
كَرْدِينَ بْنُ شَيْبَانَ، وَ حَمْدَانُ بْنُ كُرٍّ، وَ سَلَيْمَانُ بْنُ الدَّبْلَمِيِّ.  
وَ مِنْ طَبْرِسْتَانَ أَرْبَعَةٌ رِجَالٍ: حُرْشَادُ بْنُ كَرْدَمَ، وَ بَهْرَامُ بْنُ عَلِيٍّ، وَ  
الْعَبَّاسُ بْنُ هَاشِمٍ، وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى.

وَ مِنْ قُمَّ ثَمَانِيَّةٌ عَشَرَ رِجُلًا: غَسَّانُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ غَسَّانَ، وَ عَلِيُّ بْنُ  
أَحْمَدَ بْنِ بُرَّةَ بْنِ نُعَيْمِ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ بِلَالِ، وَ عِمْرَانُ بْنُ خَالِدِ بْنِ كَلِيبِ، وَ  
سَهْلُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ صَاعِدِ، وَ عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الشَّاهِ، وَ حَسَكَةُ  
بْنَ هَاشِمِ بْنِ الدَّائِيَّةِ، وَ الْأَخْوَصُ ابْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلِ بْنِ نُعَيْمِ بْنِ  
طَرِيفِ، وَ بُلَيْلُ بْنُ مَالِكِ بْنِ سَعْدِ بْنِ طَلْحَةَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ  
جَرِيرِ، وَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ بْنِ لَاحِقِ، وَ الْعَبَّاسُ بْنُ زُفَرَ بْنِ سَلِيمِ، وَ  
الْحُوَيْدُ بْنُ بَشَرَ بْنِ بَشِيرِ، وَ مَرْوَانَ بْنَ عَلَابَةَ بْنِ جَرِيرِ الْمَعْرُوفِ بِابْنِ  
رَأْسِ الزَّقِّ، وَ الصَّفَرُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمِ، وَ كَامِلُ بْنُ هِشَامِ.  
وَ مِنْ قَوْمِ رَجُلَانَ: مَحْمُودُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الشَّعْبِ، وَ عَلِيُّ بْنُ  
حَمَّوَيْهِ بْنِ صَدَقَةَ مِنْ قَرْيَةِ الْخَرَقَانَ.

وَ مِنْ جُرْجَانَ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا: أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، وَ زُرَّارَةُ بْنُ جَعْفَرٍ، وَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَطَرٍ، وَ حُمَيْدُ بْنُ نَافِعٍ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ بْنِ قُرَّةَ بْنِ حُوَيْيَةَ، وَ عَلَّانُ ابْنُ حُمَيْدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ حُمَيْدٍ، وَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ عَمْرٍو، وَ عَلِيُّ بْنُ عَلْقَمَةَ بْنِ مَحْمُودٍ، وَ سَلْمَانَ بْنُ يَعْقُوبَ، وَ الْعُرْيَانَ بْنَ الْخَفَّانِ، الْمُلقَّبُ بِحَالِ رَوْتِ، وَ شُعْبَةَ بْنَ عَلِيٍّ، وَ مُوسَى بْنَ كُرْدَوَيْهٍ.

وَ مِنْ مُوقَانَ رَجُلٌ، وَ هُوَ: عُبيدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَاجُورٍ.  
وَ مِنْ السُّنْدِ رَجُلَانِ: سَيَّابُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ نَصْرُ بْنُ مَنْصُورٍ، يُعْرَفُ بِنَاقِشَتِ.

وَ مِنْ هَمْدَانَ أَرْبَعَةَ رَجَالٍ: هَارُونَ بْنُ عِمْرَانَ بْنِ خَالِدٍ، وَ طَيْفُورُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ طَيْفُورٍ، وَ أَبَانُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الضَّحَّاكِ، وَ عَتَّابُ بْنُ مَالِكِ بْنِ جُمَّهٍورٍ.

وَ مِنْ جَابِرُونَ ثَلَاثَةَ رَجَالٍ: كُرْدُ بْنُ حُنَيْفٍ، وَ عَاصِمُ بْنُ خَلِيدِ الْخَبَّاطِ، وَ زِيَادُ ابْنِ رَزِينٍ.

وَ مِنْ النَّوَّارِ رَجُلٌ: لَقِيظُ بْنُ الْفُرَاتِ.  
وَ مِنْ أَهْلِ خِلَاطٍ: وَهْبُ بْنُ خَرْبَنْدِ بْنِ سَرُوينِ.  
وَ مِنْ تَفْلَيْسَ خَمْسَةَ رَجَالٍ: جَحْدَرُ بْنُ الزَّيْتِ، وَ هَانِي الْعُطَارِدِيُّ، وَ جَوَادُ بْنُ بَدْرِ، وَ سُلَيْمُ بْنُ وَحِيدٍ، وَ الْفَضْلُ بْنُ عُمَيْرٍ.

وَمِنْ بَابِ الْأَبْوَابِ: جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ.  
وَمِنْ سِنَجَارٍ أَرْبَعَةٌ رِجَالٌ: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زُرَيْقٍ، وَ سُوَيْمٌ بْنُ مَطْرٍ، وَ  
هَيْبَةُ اللَّهِ بْنُ زُرَيْقٍ بْنِ صَدَقَةَ، وَ هُبَلُ بْنُ كَامِلٍ.  
وَمِنْ قَالِقَلًا: كُرْدُوسُ بْنُ جَابِرٍ.  
وَمِنْ سُمَيْسَاطَ: مُوسَى بْنُ زَرْقَانَ.  
وَمِنْ نَصِيبِينَ رَجُلَانِ: دَاوُدُ بْنُ الْمُحِقِّ، وَ حَامِدُ صَاحِبُ الْبَوَارِيِّ.  
وَمِنْ الْمَوْصِلِ رَجُلٌ: يُقَالُ لَهُ سُلَيْمَانُ بْنُ صَبِيحٍ مِنَ الْقَرْيَةِ الْحَدِيثَةِ.  
وَمِنْ تَلٍّ مَوْزَنَ رَجُلَانِ: يُقَالُ لَهُمَا بَادِصْنَا بْنُ سَعْدِ بْنِ السَّحِيرِ، وَ  
أَحْمَدُ بْنُ حُمَيْدِ بْنِ سَوَّارٍ.  
وَمِنْ بَلَدِ رَجُلٍ: يُقَالُ لَهُ بُورُ بْنُ زَائِدَةَ بْنِ شِرْوَانَ.  
وَمِنْ الرَّهَا رَجُلٌ: يُقَالُ لَهُ كَامِلُ بْنُ عُفَيْرٍ.  
وَمِنْ حَرَّانَ: زَكَرِيَّا السَّعْدِيُّ.  
وَمِنْ الرَّقَّةِ ثَلَاثَةٌ رِجَالٌ: أَحْمَدُ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ سُلَيْمٍ، وَ نَوْفَلُ بْنُ  
عُمَرَ، وَ أَشْعَثُ بْنُ مَالِكٍ.  
وَمِنْ الرَّافِقَةِ: عِيَاضُ بْنُ عَاصِمِ بْنِ سَمُرَةَ بْنِ جَحْشٍ، وَ مُلَيْحُ بْنُ  
سَعْدٍ.



وَ مِنْ حَلَبَ أَرْبَعَةَ رِجَالٍ: يُونُسُ بْنُ يُوسُفَ، وَ حُمَيْدُ بْنُ قَيْسِ بْنِ  
 سُحَيْمِ بْنِ مُدْرِكِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ حَرْبِ بْنِ صَالِحِ بْنِ مَيْمُونِ، وَ مَهْدِيُّ بْنُ  
 هِنْدِ بْنِ عَطَّارِدَ، وَ مُسْلِمُ بْنُ هَوَّارِمَرْدَ.  
 وَ مِنْ دِمَشَقَ ثَلَاثَةَ رِجَالٍ: نُوحُ بْنُ جَرِيرِ، وَ شُعَيْبُ بْنُ مُوسَى، وَ  
 حَجْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْفَزَارِيُّ.  
 وَ مِنْ فِلَسْطِينَ: سُؤَيْدُ بْنُ يَحْيَى.  
 وَ مِنْ بَعْلَبَكَّ: الْمُنْزَلُ بْنُ عِمْرَانَ.  
 وَ مِنْ طَبْرِيقَةَ: مُعَاذُ بْنُ مُعَاذِ.  
 وَ مِنْ يَافَا: صَالِحُ بْنُ هَارُونَ.  
 وَ مِنْ قَرْمِسَ: رَبَّابُ بْنُ الْجَلُودِ، وَ الْخَلِيلُ بْنُ السَّيِّدِ.  
 وَ مِنْ تَيْسَ: يُونُسُ بْنُ الصَّقْرِ، وَ أَحْمَدُ بْنُ مُسْلِمِ بْنِ سَلَمِ.  
 وَ مِنْ دِمْيَاطَ: عَلِيُّ بْنُ زَائِدَةَ.  
 وَ مِنْ أَسْوَانَ: حَمَّادُ بْنُ جُمُهورِ.  
 وَ مِنْ الْفُسْطَاطِ أَرْبَعَةَ رِجَالٍ: نَصْرُ بْنُ حَوَّاسَ، وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى  
 الْفَزَارِيُّ، وَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ صَفِيرِ، وَ يَحْيَى بْنُ نَعِيمِ.  
 وَ مِنْ الْقَيْرَوانَ: عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ الشَّيْخِ، وَ عَنبَرَةُ بْنُ قُرْطَةَ.  
 وَ مِنْ بَاغَةَ: شَرْحِبِيلُ السَّعْدِيُّ.  
 وَ مِنْ بَلْبَيْسَ: عَلِيُّ بْنُ مُعَاذِ.

وَ مِنْ بَالِسَ: هَمَّامُ بْنُ الْفُرَاتِ.  
وَ مِنْ صَنْعَاءَ: الْفَيَّاضُ بْنُ ضِرَّارِ بْنِ ثَرَوَانَ، وَ مَيْسِرَةَ بْنُ غُنْدَرِ بْنِ  
الْمُبَارَكِ.

وَ مِنْ مَازِنَ: عَبْدُ الْكَرِيمِ بْنُ غُنْدَرٍ.  
وَ مِنْ طِرَائِلَسَ: ذُو الثُّورَيْنِ عُبَيْدَةُ بْنُ عَلْقَمَةَ.  
وَ مِنْ أُبَلَّةَ رَجُلَانِ: يَحْيَى بْنُ بُدَيْلٍ، وَ حَوَاشَةَ بْنُ الْفَضْلِ.  
وَ مِنْ وَادَى الْقُرَى: الْحُرُّ بْنُ الرَّبْرِقَانَ.  
وَ مِنْ خَيْبَرَ رَجُلٌ: يُقَالُ لَهُ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ.  
وَ مِنْ رَبْدَارَ: طَلْحَةُ بْنُ سَعْدِ بْنِ بَهْرَامَ.  
وَ مِنْ الْجَارِ: الْحَارِثُ بْنُ مَيْمُونِ.  
وَ مِنْ الْمَدِينَةِ رَجُلَانِ: حَمَزَةُ بْنُ طَاهِرٍ، وَ شَرْحَبِيلُ بْنُ جَمِيلِ.  
وَ مِنْ الرَّبْدَةِ: حَمَّادُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ نَصِيرِ.  
وَ مِنْ الْكُوفَةِ أَرْبَعَةٌ عَشَرَ رَجُلًا: رَبِيعَةُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ صَالِحٍ، وَ تَمِيمُ بْنُ  
إِلْيَاسَ بْنِ أَسَدٍ، وَ الْعِضْرُ بْنُ عَيْسَى، وَ مِطْرَفُ بْنُ عُمَرَ الْكِنْدِيِّ، وَ  
هَارُونَ بْنُ صَالِحِ بْنِ مَيْثَمٍ، وَ وَكَايَا بْنُ سَعْدٍ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ رَوَايَةَ، وَ الْحُرُّ  
بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَاسَانَ، وَ قَوْدَةُ الْأَعْلَمِ، وَ خَالِدُ بْنُ عَبْدِ الْقُدُوسِ، وَ  
إِبْرَاهِيمُ بْنُ مَسْعُودِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ، وَ بَكْرُ بْنُ سَعْدِ بْنِ خَالِدِ، وَ أَحْمَدُ بْنُ  
رَيْحَانَ بْنِ حَارِثِ، وَ غَوْتُ الْأَعْرَابِيِّ.

وَمِنْ الْقُلُزْمِ: الْمُرْجِئَةُ بْنُ عَمْرٍو، وَشَبِيبُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ.  
 وَمِنْ الْحَبِيرَةِ: بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ.  
 وَمِنْ كُوَيْ رَّبِّي: حَفْصُ بْنُ مَرْوَانَ.  
 وَمِنْ طَهْنَةَ: الْحَبَابُ بْنُ سَعِيدٍ، وَصَالِحُ بْنُ طَيْفُورِ.  
 وَمِنْ الْأَهْوَازِ: عَيْسَى بْنُ تَمَّامٍ، وَجَعْفَرُ بْنُ سَعِيدِ الضَّرِيرِ، يُعُودُ بِصَبْرًا.  
 وَمِنْ الشَّامِ: عَلْقَمَةُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ.  
 وَمِنْ إِصْطَخَرَ: الْمُتَوَكَّلُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ، وَهَشَامُ بْنُ فَاخِرِ.  
 وَمِنْ الْمُؤَلَّتَانِ: حَيْدَرُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ.  
 وَمِنْ النَّيْلِ: شَاكِرُ بْنُ عَبْدِ.  
 وَمِنْ الْقَنْدَابِيلِ: عَمْرُو بْنُ فَرُوةَ.  
 وَمِنْ الْمَدَائِنِ ثَمَانِيَةَ نَفَرٍ: الْأَخْوَيْنِ الصَّالِحَيْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَحْمَدَ ابْنَيْ  
 الْمُنْدَرِ، وَ مِيمُونَ ابْنَ الْحَارِثِ، وَ مُعَاذُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَامِرِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ  
 بْنِ مَعْرُوفِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، وَ الْحَرَسِيُّ ابْنُ سَعِيدٍ، وَ زُهَيْرُ بْنُ طَلْحَةَ، وَ نَصْرُ،  
 وَ مَنْصُورُ.  
 وَمِنْ عُكْبَرَا: زَائِدَةُ بْنُ هَيْبَةَ.  
 وَمِنْ حُلُوانَ: مَاهَانَ بْنُ كَثِيرٍ، وَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ.  
 وَمِنْ الْبَصْرَةِ: عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْأَعْظَفِ بْنِ سَعْدٍ، وَ أَحْمَدُ بْنُ مُلَيْحِ، وَ  
 حَمَّادُ بْنُ جَابِرِ.

وَ أَصْحَابُ الْكَهْفِ سَبْعَةٌ نَفَرًا: مَكْسَمِيلِينَا وَ أَصْحَابُهُ.  
وَ التَّاجِرَانِ الْخَارِجَانِ مِنْ أَنْطَاكِيَّةَ: مُوسَى بْنُ عَوْنٍ، وَ سُلَيْمَانُ بْنُ  
حُرٍّ، وَ غُلَامُهُمَا الرَّومِيُّ.  
وَ الْمُسْتَأْمِنَةُ إِلَى الرَّومِ أَحَدَ عَشَرَ رَجُلًا: صُهَيْبُ بْنُ الْعَبَّاسِ، وَ جَعْفَرُ  
بْنُ حَلَّالٍ، وَ ضِرَارُ بْنُ سَعِيدٍ، وَ حُمَيْدُ الْقُدُوسِيِّ، وَ الْمُنَادِي، وَ مَالِكُ بْنُ  
خَلِيدٍ، وَ بَكْرُ بْنُ الْحُرِّ، وَ حَبِيبُ بْنُ حَنَانَ، وَ جَابِرُ بْنُ سُفْيَانَ.  
وَ النَّازِلَانِ بِسَرَنْدِيبَ، وَ هُمَا: جَعْفَرُ بْنُ زَكَرِيَّا، وَ دَانِيَالُ بْنُ دَاوُدَ.  
وَ مِنْ سَنَدِرَا أَرْبَعَةٌ رِجَالٌ: خُورُ بْنُ طَرْخَانَ، وَ سَعِيدُ بْنُ عَلِيٍّ، وَ شَاهُ  
بْنُ بُزْرَجٍ، وَ حُرُّ بْنُ جَمِيلٍ.  
وَ الْمَفْقُودُ مِنْ مَرْكَبِهِ بِشَلَاهِيْطَ: اسْمُهُ الْمُنْدَرِيُّ بْنُ زَيْدٍ.  
وَ مِنْ سِيرَافَ - وَ قِيلَ: شِيرَازَ، الشُّكُّ مِنْ مَسْعَدَةَ -: الْحُسَيْنُ بْنُ  
عُلْوَانَ.  
وَ الْهَارِبَانِ إِلَى سَرْدَانِيَّةَ: السَّرِيُّ بْنُ الْأَغْلَبِ، وَ زِيَادَةُ اللَّهِ بْنُ رَزْقِ  
اللَّهِ.  
وَ الْمُتَخَلَّى بِصِقْلِيَّةَ: أَبُو دَاوُدَ الشَّعْشَاعُ.  
وَ الطَّوَّافُ لِطَلَبِ الْحَقِّ مِنْ يَخْشَبَ: وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَاعِدِ بْنِ  
عُقْبَةَ.  
وَ الْهَارِبُ مِنْ بَلْخِ مِنْ عَشِيرَتِهِ: أَوْسُ بْنُ مُحَمَّدٍ.

وَ الْمُحْتَجُّ بِكِتَابِ اللَّهِ عَلَى النَّاصِبِ مِنْ سَرَخْسٍ: نَجْمُ بْنُ عُقْبَةَ بْنِ دَاوُدَ.

وَ مِنْ فَرَّغَانَةَ: أَرْدَجَاهُ بْنُ الْوَابِصِ.

وَ مِنْ التَّرْمِيدِ: صَخْرُ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ الْقَنَابَلِيِّ، وَ يَزِيدُ بْنُ قَادِرٍ.

فَذَلِكَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا بَعْدَ أَهْلِ بَدْرٍ<sup>۱</sup>.

در این روایت طولانی تعداد افرادی که نام آنها برده شده است، جمعاً ۲۸۷ نفر می‌باشند و تعداد افرادی که در روایت به آنها با عنوان «رجل، رجُلان، ثلاثة رجال، اربعة رجال و ...» مجموعاً ۲۹۳ نفر می‌باشند که نام ۲۰ نفر یا توسط راویان ضبط نگردیده و یا بخاطر کم دقتی نسخه نویسان از کتابها حذف شده است (و الأمر سهل). آنچه مهم است این است که روایت در مقام بیان نام و مکان ۳۱۳ نفر است، علاوه بر این که تعداد افراد را نتیجتاً ۳۱۳ نفر می‌داند و می‌فرماید:

فَذَلِكَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا بَعْدَ أَهْلِ بَدْرٍ. (این تعداد ۳۱۳

مرد به تعداد اصحاب بدر می‌باشند).

**۴. آیا تمام ۳۱۳ نفر در عصر ظهور زنده‌اند یا از مرحومین نیز جزء آنها هستند و به هنگام ظهور رجعت می‌کنند؟**

بحث رجعت که از ویژگی‌های شیعه است، یک بحث کاملاً مستدل است. اگرچه موضوع بحث ما درباره‌ی رجعت و اثبات آن نیست اما به اندازه‌ی روشن شدن امکان آن و اثبات وقوع آن اجمالاً، به نقل سخن بعضی از بزرگان در این مورد می‌پردازیم:

**رجعت در کتاب و سنت**

از مسائلی که در آیات مورد بحث، قابل ملاحظه است، ظهور بعضی از این آیات در مسأله رجعت است. «رجعت» از عقائد معروف شیعه است و تفسیرش در یک عبارت کوتاه چنین است: بعد از ظهور مهدی # و در آستانه رستاخیز گروهی از «مؤمنان خالص» و «کفار و طاغیان بسیار شرور» به این جهان بازمی‌گردند. گروه اول مدارجی از کمال را طی می‌کنند، و گروه دوم کیفرهای شدیدی می‌بینند.

مرحوم «سید مرتضی» که از بزرگان شیعه است، چنین می‌گوید: «خداوند متعال بعد از ظهور حضرت مهدی # گروهی از کسانی که قبلاً از دنیا رفته‌اند را به این جهان بازمی‌گرداند، تا در ثواب و افتخارات یاری او و مشاهده حکومت حق بر سراسر جهان، شرکت جویند، و نیز گروهی از دشمنان سرسخت را بازمی‌گرداند تا از آنها

انتقام گیرد. سپس می‌افزاید: دلیل بر صحت این مذهب این است که: هیچ عاقلی نمی‌تواند قدرت خدا را بر این امر انکار کند؛ چرا که این مسأله محالی نیست، در حالی که بعضی از مخالفین ما، چنان این موضوع را انکار می‌کنند که گوئی آن را محال و غیر ممکن می‌شمرند. بعد اضافه می‌کند: دلیل بر اثبات این عقیده، اجماع امامیه است؛ زیرا احدی از آنها با این عقیده مخالفت نکرده است.»

البته از کلمات بعضی از قدمای علمای شیعه، و همچنین از سخنان مرحوم طبرسی در مجمع البیان برمی‌آید که: اقلیت بسیار کوچکی از شیعه، با این عقیده مخالف بودند، و رجعت را به معنی بازگشت دولت و حکومت اهل بیت <sup>^</sup> تفسیر می‌کردند، نه بازگشت اشخاص و زنده شدن مردگان، ولی مخالفت آنها طوری است که به اجماع لطمه‌ای نمی‌زند.

به هر حال، در اینجا بحث‌های فراوانی است که برای خارج نشدن از طرز بحث تفسیری به صورت فشرده در اینجا می‌آوریم:

۱- بدون تردید، احیای گروهی از مردگان در این دنیا از محالات نیست، همان‌گونه که احیای جمیع انسان‌ها در قیامت کاملاً ممکن است و تعجب از چنین امری، هم‌چون تعجب گروهی از مشرکان جاهلیت از مسأله معاد است، و سخریه در برابر آن، همانند سخریه آنها در مورد

معاد می‌باشد؛ چرا که عقل چنین چیزی را محال نمی‌بیند، و قدرت خدا آنچنان وسیع و گسترده است که همه این امور در برابر آن سهل و آسان است.

۲- در قرآن مجید، وقوع رجعت اجمالاً در پنج مورد از امت‌های پیشین آمده است:

الف- در مورد «پیامبری که از کنار یک آبادی عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن فرو ریخته بود، و اجساد و استخوان‌های اهل آن در هر سو پراکنده شده بود، و از خود پرسید: چگونه خداوند اینها را پس از مرگ زنده می‌کند؟ خدا او را یک صد سال میراند و سپس زنده کرده، به او گفت: چقدر درنگ کردی؟ عرض کرد: یک روز یا قسمتی از آن. فرمود: نه، بلکه یک صد سال بر تو گذشت». این پیامبر، «عزیر» باشد یا پیامبر دیگری، تفاوت نمی‌کند، مهم صراحت قرآن در زندگی پس از مرگ است در همین دنیا (فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ).

ب- قرآن در آیه ۲۴۳ سوره «بقره» سخن از جمعیت دیگری به میان می‌آورد که «از ترس مرگ (و طبق گفته مفسران به بهانه بیماری طاعون از شرکت در میدان جهاد خودداری کردند و) از خانه‌های خود بیرون رفتند، خداوند فرمان مرگ آنها را داد و سپس آنها را زنده کرد» (فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ).



گرچه بعضی از مفسران - که نتوانسته‌اند وقوع چنین حادثه غیر عادی را تحمل کنند - آن را تنها بیان یک مثال شمرده‌اند، ولی روشن است: این‌گونه تأویلات در برابر ظهور بلکه صراحت آیه، در وقوع این مسأله، قابل قبول نیست.

ج- در آیات ۵۵ و ۵۶ سوره «بقره» درباره «بنی اسرائیل» می‌خوانیم: گروهی از آنها بعد از تقاضای مشاهده خداوند، گرفتار صاعقه مرگباری شدند و مردند، سپس، خداوند آنها را به زندگی بازگرداند، تا شکر نعمت او را به جا آورند (ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ).

د- در آیه ۱۱۰ سوره «مائده» ضمن بر شمردن معجزات عیسی × می‌خوانیم: وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي: «تو مردگان را به فرمان من زنده می‌کردی». این تعبیر نشان می‌دهد: مسیح × از این معجزه خود (احیای موتی) استفاده کرد، بلکه تعبیر به فعل مضارع (تُخْرِجُ) دلیل بر تکرار آن است و این خود یک نوع رجعت برای بعضی محسوب می‌شود.

ه- بالاخره، در سوره «بقره» آیه ۷۳ در مورد کشته‌ای که در بنی اسرائیل برای پیدا کردن قاتلش نزاع و جدال برخاسته بود، می‌گوید: «دستور داده شد گاوی را با ویژگی‌هایی سر ببرند و بخشی

از آن را بر بدن مرده زنده تا به حیات بازگردد» (و قاتل خود را معرفی کند و نزاع خاتمه یابد) (فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ).

علاوه بر این پنج مورد، موارد دیگری در قرآن مجید دیده می‌شود، هم‌چون داستان اصحاب کهف که آن نیز چیزی شبیه به رجعت بود، و داستان مرغ‌های چهارگانه ابراهیم × که بعد از ذبح بار دیگر به زندگی بازگشتند تا امکان معاد را در مورد انسان‌ها برای او مجسم سازند که در مسأله رجعت نیز قابل توجه است.

به هر حال، چگونه ممکن است کسی قرآن را به عنوان یک کتاب آسمانی بپذیرد و با این همه آیات روشن، باز امکان رجعت را انکار کند؟ اساساً مگر رجعت چیزی جز بازگشت به حیات بعد از مرگ است؟ مگر رجعت نمونه کوچکی از رستاخیز در این جهان کوچک محسوب نمی‌شود؟

کسی که رستاخیز را در آن مقیاس وسیعش می‌پذیرد، چگونه می‌تواند خط سرخ بر مسأله رجعت بکشد؟ و یا آن را به باد مسخره گیرد؟ و یا هم‌چون احمد امین مصری در کتاب «فجر الاسلام» بگوید: *الْيَهُودِيَّةُ ظَهَرَتْ بِالتَّشْيِيعِ بِالقَوْلِ بِالرَّجْعَةِ!*: «آئین یهودیگری در مذهب شیعه به خاطر اعتقاد به رجعت ظهور کرده است!». «۱»

راستی چه فرقی میان این گفتار «احمد امین»، و تعجب و انکار اعراب جاهلیت در مقابل معاد جسمانی است؟!  
 ۳- آنچه تا به اینجا گفتیم امکان رجعت را ثابت می‌کرد، آنچه وقوع آن را تأیید می‌کند روایات زیادی است که از جمعی از ثقات از ائمه اهل بیت<sup>ع</sup> نقل شده است، و از آنجا که بحث ما گنجایش نقل آنها را ندارد کافی است آماری را که مرحوم «علامه مجلسی» از آن جمع آوری کرده است بازگو کنیم او می‌گوید:

«چگونه ممکن است کسی به صدق گفتار ائمه اهل بیت علیهم السلام ایمان داشته باشد، و احادیث متواتر رجعت را نپذیرد؟ احادیث صریحی که شماره آن به حدود دویست حدیث می‌رسد، که چهل و چند نفر از راویان ثقات، و علمای اعلام، در بیش از پنجاه کتاب آورده‌اند... اگر این احادیث متواتر نباشد، چه حدیثی متواتر است؟!»

#### اما فلسفه‌ی رجعت

مهم‌ترین سؤالی که در برابر این عقیده، مطرح می‌شود این است که: هدف از «رجعت» قبل از رستاخیز عمومی انسان‌ها چیست؟  
 با توجه به آنچه از روایات اسلامی استفاده می‌شود این موضوع جنبه همگانی ندارد، بلکه، اختصاص به مؤمنان صالح‌العملی دارد که

در یک مرحله عالی از ایمان قرار دارند، و همچنین کفار و طاغیان ستمگری که در مرحله منحطی از کفر و ظلم قرار دارند.

چنین به نظر می‌رسد: بازگشت مجدد این دو گروه به زندگی دنیا به منظور تکمیل یک حلقه تکاملی گروه اول و چشیدن کیفر دنیوی گروه دوم است.

به تعبیر دیگر، گروهی از مؤمنان خالص که در مسیر تکامل معنوی با موانع و عوائقی در زندگی خود روبرو شده‌اند، و تکامل آنها ناتمام مانده است حکمت الهی ایجاب می‌کند که، سیر تکاملی خود را از طریق بازگشت مجدد به این جهان ادامه دهند، شاهد و ناظر حکومت جهانی حق و عدالت باشند و در بنای این حکومت شرکت جویند، چرا که شرکت در تشکیل چنین حکومتی از بزرگترین افتخارات است. و به عکس، گروهی از منافقان و جباران سرسخت، علاوه بر کیفر خاص خود در رستاخیز باید مجازات‌هایی در این جهان، نظیر آنچه اقوام سرکشی مانند فرعونیان و عاد و ثمود و قوم لوط دیدند، ببینند، و تنها راه آن رجعت است.

امام صادق  $\times$  در حدیثی می‌فرماید: **انَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ، وَ هِيَ خَاصَّةٌ، لَا يُرْجَعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا، أَوْ مَحَضَ الشُّرْكَ مَحْضًا:**

«رجعت عمومی نیست، بلکه جنبه خصوصی دارد، تنها گروهی بازگشت می‌کنند که ایمان خالص یا شرک خالص دارند».

ممکن است آیه ۹۵ سوره «انبیاء»: «وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ» «حرام است بر شهرهایی که بر اثر گناه نابودشان کردیم که بازگردند آنها هرگز بازمی‌گردند» نیز اشاره به همین معنی باشد؛ چرا که عدم بازگشت را در مورد کسانی می‌گوید که در این جهان به کیفر شدید خود رسیدند و از آن روشن می‌شود: گروهی که چنین کیفرهایی را ندیدند باید بازگردند، و مجازات شوند (دقت کنید).

این احتمال نیز وجود دارد که: بازگشت این دو گروه، در آن مقطع خاص تاریخ بشر، به عنوان دو درس بزرگ و دو نشانه مهم از عظمت خدا و مسأله رستاخیز (مبدأ و معاد) برای انسان‌ها است، تا با مشاهده آن به اوج تکامل معنوی و ایمان برسند و از هیچ نظر کمبودی نداشته باشند.<sup>۱</sup>»

#### **یاران خاص همگی در عصر ظهور زنده‌اند**

از بسیاری از روایات ۳۱۳ برداشت می‌شود که تمام یاران خاص امام، در عصر ظهور زنده‌اند و در شهرهای مختلف پراکنده می‌باشند و

۱ - تفسیر نمونه، حضرت آیت الله مکارم شیرازی حفظه الله، جلد ۱۵ صفحات ۵۵۵ تا ۵۶۰

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۷۷

این ۳۱۳ نفر از کسانی نیستند که قبلاً وفات کرده‌اند و اینک به هنگام ظهور برای یاری حضرت مهدی # به این دنیا رجعت می‌کنند:

امام صادق × می‌فرماید: اصحاب قائم ۳۱۳ نفر از نسل غیر عرب هستند که بعضی از آنها با فضاییمائی به نام «سحاب» در روز حرکت می‌کنند و بعضی درحالی که در رختخواب خود خوابند، غیب می‌شوند و در مکه ظاهر می‌گردند.<sup>۱</sup>

... و [مهدی #] بین رکن و مقام می‌ایستد و با صدای بلند می‌گوید: ای بزرگانم و ای یاران خاصم، و ای کسانی که خداوند آنها را بر روی زمین، قبل از ظهورم برای یاریم ذخیره کرده است، با حالت اطاعت به سوی من بیایید. پس صدای او به گوش آنها در مشرق و مغرب زمین می‌رسد در حالی که [بعضی] در محرابهایشان و [بعضی] در رختخواب‌هایشان هستند، و در یک چشم به هم زدن به سوی او

---

۱ - عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ أَصْحَابُ الْقَائِمِ ۳۱۳ رَجُلًا أَوْلَادُ الْعَجَمِ بَعْضُهُمْ يُحْمَلُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَنَسَبِهِ وَحَلَّتِيهِ وَبَعْضُهُمْ نَائِمٌ عَلَى فِرَاشِهِ فَيُرَى فِي مَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ بِحَارِ الْأَنْوَارِ ح

می‌آیند و بین رکن و مقام حاضر می‌شوند... و در برابرش می‌ایستند در حالی به تعداد اصحاب رسول خدا |، ۳۱۳ نفرند.<sup>۱</sup>  
 بنابراین یاران خاص (۳۱۳ نفر) همه در یک زمان زندگی می‌کنند و در هنگام ظهور زنده‌اند.

اما آنچه که مرحوم شیخ مفید در جلد دوم «ارشاد» صفحه‌ی ۳۸۶ و امین الإسلام طَبْرَسِي در «إعلام الوری» صفحه‌ی ۴۶۴ و علی بن عیسیٰ إربلی در «كشف الغمّة» صفحه‌ی ۴۶۶ روایت کرده‌اند که قائم # از پشت کوفه [یعنی از نجف] بیست و هفت مرد را [از قبر] خارج می‌کند. پانزده نفر از قوم موسی × که به سوی حق هدایت می‌کردند و به عدالت حکم می‌نمودند، و هفت نفر از اصحاب کهف، و یوشع بن نون [وصی حضرت موسی ×] و سلمان و ابودُجانیه انصاری و مقداد و مالک اشتر، که اینها یاران او و فرمانداران خواهند بود<sup>۲</sup>، این روایت بر بودن این رجعت‌کنندگان جزء ۳۱۳ نفر تصریح

۱ - عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ أَصْحَابُ الْقَائِمِ ۳۱۳ رَجُلًا أَوْلَادُ الْعَجَمِ بَعْضُهُمْ يُحْمَلُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَاسْمُ أَبِيهِ وَنَسَبِهِ وَحَلِيبَتِهِ وَبَعْضُهُمْ نَائِمٌ عَلَى فِرَاشِهِ فَيُرَى فِي مَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ بِحَارِ الْأَنْوَارِ ۵۲ صفحه ۳۶۹

۲ - رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ يُخْرِجُ الْقَائِمُ ع مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةً وَعِشْرِينَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَغْدِلُونَ وَ سَبْعَةَ مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ وَ

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۷۹

ندارد. علاوه بر این که اجازه‌ی بازگشت از جهان برزخ را هر مؤمنی که با حسرت انتظار ظهورش وفات نموده است، خواهد داشت (رزقنا الله و إياکم إن شاء الله):

الْفَضْلُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ أَبِي عُمَارَةَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ ذَكَرْنَا الْقَائِمَ عَ وَ مَنْ مَاتَ مِنْ أَصْحَابِنَا يَنْتَظِرُهُ، فَقَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: إِذَا قَامَ أَتَى الْمُؤْمِنَ فِي قَبْرِهِ فَيُقَالُ لَهُ يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ وَ إِنْ تَشَاءُ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرَامَةِ رَبِّكَ فَأَقِمْ<sup>۱</sup>.

بنابراین یارانِ عامّ امام مهدی # اعمّ از ملائکه و جنیان و انسان‌ها و زن و مرد و زندگان و رجعت‌کنندگان از مؤمنین منتظر و عرب و غیر عربند، اما یارانِ خاصّ که همان ۳۱۳ نفرند فقط از مردان زنده‌ی غیر عرب می‌باشند.

#### درایت یک روایت

گاهی یک روایت در سیر تاریخی خود دچار تغییرات عمدی یا سهوی می‌شود. این تغییر، اگر عمدی باشد، «تحریف» و اگر سهوی

---

يُوسَعُ بْنُ نُونٍ وَ سَلْمَانَ وَ أَبَا دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيَّ وَ الْمُقَدَّادَ وَ مَالِكَ الْأَشْتَرِ فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَاراً وَ حُكَّاماً.



باشد در اصطلاح علماء علم رجال، «تصحیف» نام دارد. به نمونه‌ای از این تصحیف توجه فرمائید:

ما روایتی از ارشاد شیخ مفید (۴۱۳-۳۳۶ هجری قمری) جلد دوم صفحه‌ی ۳۸۶ در صفحه‌ی ۳۰ این کتاب نقل نمودیم که مفضل بن عمر از امام صادق × روایت کرده است که فرمود: «يُخْرِجُ الْقَائِمُ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةً وَعِشْرِينَ رَجُلًا...»، (قائم # از پشت کوفه [یعنی نجف] بیست و هفت نفر را [از قبر] خارج می‌کند...). با این‌که این روایت فقط از مفضل بن عمر از امام صادق × روایت شده است و هر کتابی که این روایت را نقل کرده از همین طریق بوده (بنابراین فقط همین یک روایت است و احتمال وجود روایت دیگری در بین نیست)، اما در کتاب‌های بعدی الفاظ این روایت به نحو عجیبی تغییر کرده و طبیعتاً معنای آن نیز عوض شده است:

در «إعلام الوری» صفحه‌ی ۴۶۴ از امین الإسلام طبرسی (۵۴۸-۴۶۰ قمری): «يُخْرِجُ إِلَى الْقَائِمِ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا» یعنی از پشت کوفه [نجف] بیست و هفت نفر [از قبر] به سوی قائم خارج می‌شوند.

در «روضه الواعظین» جلد ۲ صفحه‌ی ۲۶۶ از محمد بن حسن فتال نیشابوری (وفات ۵۰۸ قمری): «خُرُجُ الْقَائِمِ مِنْ ظَهْرِ الْكَعْبَةِ مَعَ

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان # ۸۱

سَبْعَةَ وَ عَشْرِينَ رَجُلًا» یعنی قائم از پشت کعبه [شاید منظور از کوه ذی طوی باشد] با بیست و هفت نفر خارج می‌شود.

در «بحار الأنوار» جلد ۵۳ صفحه‌ی ۹۰ روایت ۹۵ از مجلسی (۱۱۱۰-۱۰۳۷ قمری): «يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعٌ وَ عَشْرُونَ رَجُلًا» یعنی از پشت کوفه [نجف] بیست و هفت نفر به همراه قائم # خارج می‌شوند.

این روایت در روضة الواعظین آنچنان تغییر کرده است که از موضوع بحث (رجعت) خارج شده، مطلب جدیدی را به مخاطب القا می‌کند. نکته‌ی دیگر اینکه نقل مرحوم مجلسی این روایت را از دو منبع قدیمی و مهم قبل از خود یعنی «إرشاد» و «إعلام الوری»، با آنچه که در این دو کتاب اکنون در دست ماست، تفاوت دارد. در روایت بحار مخاطب نمی‌داند چه کسی اینها را زنده می‌گرداند؟ همچنین لفظ «مع» چند تفسیر متفاوت بر روایت تحمیل می‌کند که در نتیجه آن را به سوی مهمل بودن سوق می‌دهد. زیرا معلوم نیست که قائم در مکه است و اینها از قبر خارج می‌شوند یا در نجف؟ «مع» بر معنای «بخارج» نیز تأثیر گذاشته آن را از حالت رجعت [خروج از قبر] خارج می‌کند. یا حداقل آن را مهمل می‌گرداند، زیرا در این حالت معلوم نیست که این خروج به چه معناست؟ آیا به معنای به

سوی او رفتن است [اگر او در مکه است]؟ یا خارج شدن از نجف با او [اگر او در نجف است]؟ یا فقط رجعت کردن و خروج از قبر در هنگام ظهور قائم؟

این روایت به ثبت مرحوم مجلسی، علاوه بر اشکالات مذکور (و غیر مذکور که با مقایسه با اصل روایت و درایت آن معلوم می‌شود)، دارای اشکال نحوی است. زیرا عدد «بیست و هفت مرد» در عربی به صورت «سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا» آورده می‌شود نه «سَبْعٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا»؛ یعنی چون «رَجُلٌ» (تمییز عدد) مذکر است باید جزء اول (سَبْعٌ) به صورت مؤنث (سَبْعَةٌ) آورده شود.

قضاوت ما در اینجا بوسیله‌ی مقایسه‌ی منابعی بود که فعلاً در دسترس است و چون اصل با نزدیک‌ترین منبع به زمان صدور است، ملاک را «ارشاد» قرار دادیم. خداوند متعال همه‌ی ما را به راه راست ارشاد فرماید.

#### ۵. آیا خودشان می‌دانند که جزء یاران خاص امام هستند؟

من فعلاً به روایتی برخورد نکرده‌ام که دقیقاً مشخص نماید که آیا یاران خاص امام زمان # ، خودشان می‌دانند که جزء یاران خاص امام هستند یا نه. اما در این روایت زیر شاید اشاره‌ای به این مطلب باشد:

أَخْبَرَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ، عَنْ أَبِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ أَبِي الْقَاسِمِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ طَبَّيَانَ، قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَذَكَرَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ وَ كُلُّ وَاحِدٍ يَرَى نَفْسَهُ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ.

ما این روایت را به این نحو تفسیر می‌کنیم که یونس می‌گوید: من خدمت امام صادق × بودم که امام یاران خاص حضرت قائم # را یاد کرد و فرمود: آنها سیصد و سیزده نفرند و هرکس احتمال می‌دهد که خودش جزء سیصد نفر می‌باشد. (و احتمال دارد که عبارت «و ثَلَاثَةٌ»

عَشْرَ» از آخر روایت افتاده است، ولی معنا روشن است و تفاوت چندانی در بحث ما ندارد)

معنای ذکر شده بهتر از این است که بگوئیم امام فرموده است: یاران قائم سیصد و سیزده نفرند. و یونس گفته است که هر کسی (در آن جمع) فکر می‌کرد خودش جزء آنهاست. زیرا عبارت «كُنْتُ» بیش از این دلالت نمی‌کند که یونس خدمت امام صادق × بوده است.

به هر حال ما از این روایت این معنا را استظهار می‌نمائیم که یاران خاص امام خودشان نمی‌دانند که جزء یاران خاص یعنی همان ۳۱۳ نفر هستند، زیرا اگر تفسیر ما را در معنای روایت بپذیرید در عبارت «وَكُلُّ وَاحِدٍ»، یاران خاص نیز وجود دارند و جمله «يَرَى» به معنای «فکر می‌کند» و یا «احتمال می‌دهد» است که با قطع به چیزی سازگاری ندارد.

بنابراین اگر ترجمه‌ی جمله‌ی «وَكُلُّ وَاحِدٍ يَرَى نَفْسَهُ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ [وَوَثَلَاثَةَ عَشْرًا]»، این باشد که هرکسی احتمال می‌دهد که جزء آن سیصد و سیزده نفر است، نتیجه این می‌شود که یاران خاص قائم خودشان نمی‌دانند که قطعاً جزء ۳۱۳ نفر هستند.

### ۶. آیا هم‌دیگر را می‌شناسند؟

در این مورد روایت مرفوعه‌ای در بحارالأنوار نقل شده است که می‌گوید:

رَوَى السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ الْحَمِيدِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى كِتَابِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ رَفَعَهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع فِي ذِكْرِ الْقَائِمِ ع فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ .... فَيَقُومُ هُوَ بِنَفْسِهِ فَيَقُولُ: أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ أَنَا ابْنُ نَبِيِّ اللَّهِ أَدْعُوكُمْ إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ نَبِيُّ اللَّهِ فَيَقُومُونَ إِلَيْهِ لِيَقْتُلُوهُ فَيَقُومُ ثَلَاثِمِائَةً وَيُنِيفُ عَلَى الثَّلَاثِمِائَةِ فَيَمْنَعُونَهُ مِنْهُ خَمْسُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَ سَائِرِهِمْ مِنْ أَفْنَاءِ النَّاسِ لَا يَعْرِفُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا اجْتَمَعُوا عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ<sup>۱</sup> قسمت مورد بحث این روایت می‌گوید: «لَا يَعْرِفُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا؛

یعنی بعضی از آنها بعضی دیگر را نمی‌شناسند».

حال اگر معنای این عبارت این باشد که آنها هم‌دیگر را نمی‌شناسند، مطلب روشن است. و اگر معنای التزامی آن این باشد که بعضی بعضی دیگر را می‌شناسند، روشن می‌شود که تعدادی از آنها یا از باب آشنائی قبلی و یا از باب شهرت اجتماعی بعض دیگر، آنها را می‌شناسند. مانند این که بعضی از این ۳۱۳ نفر، برادر یا اقوام و یا

دوستند، و یا این که بعضی صاحب مقامات علمی، سیاسی، اجتماعی و غیره هستند که در جامعه مشهور بوده، دیگران آنها را می‌شناسند. به هر حال شناختن یا نشناختن هم‌دیگر، تأثیری در عدم العلم به این که جزء یاران خاصند، نمی‌گذارد؛ یعنی این که متعلق «لا یَعْرِفُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً»، معرفت و آشنائی معمولی است که ذکر شد، و به معنای نشناختن این که جزء ۳۱۳ نفرند، نیست.

۷. اگر یاران خاص از ملیت‌های مختلفند و در جهان پراکنده‌اند، چگونه خبر از ظهور پیدا می‌کنند و چگونه به خدمت امام می‌رسند؟

یاران خاص امام زمان # (۳۱۳ نفر) نیز مانند یاران عام او (شیعیان) در تمام جهان پراکنده‌اند. این مطلب از عبارات‌های زیر که در روایات متعددی آمده است، به وضوح استنباط می‌شود:

- يَجْمَعُ اللَّهُ لَهُ مِنْ أَقْصَى الْبِلَادِ عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرِ ۳۱۳ رَجُلًا<sup>۱</sup>
- يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عَدَدُ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقْصَى الْأَرْضِ<sup>۲</sup>
- فَيَتَوَافُونَ مِنَ الْأَفَاقِ ۳۱۳ رَجُلًا<sup>۳</sup>

#### (۱) یاران خاص و کیفیت خبردار شدن از زمان ظهور

آنچه ما تاکنون از مجموع روایات در دسترس، به آن رسیده‌ایم این است که اطلاع از خبر ظهور و کیفیت رسیدن به خدمت مولایشان به صورت خارق‌العاده است؛ یعنی به سختی می‌توان اطلاع از خبر ظهور و حضور به سرعت خدمت امام را بر اطلاع از طریق خبرگزاری‌ها و

۱ - بحار الأنوار، جلد ۳۶، صفحه ۲۷

۲ - بحار الأنوار، جلد ۵۱، صفحه ۱۵۷

۳ - بحار الأنوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۴



رسانه‌های عمومی و رفتن از طریق وسایل معمولی مانند هواپیما و غیره تطبیق نمود. لطفاً به این روایت دقت بفرمائید:

«پس او با فریادی بلند صدا می‌زند: ای گروه نقیبان و یاران خاصم و کسانی که خداوند آنها را قبل از ظهورم برای یاریم ذخیره نموده است! همه با اطاعت به سوی من بشتابید. پس آنها با سرعت یک چشم به هم زدن به سوی او می‌آیند و روبروی او بین رکن و مقام حاضر می‌شوند»<sup>۱</sup>.

۱ - أَقُولُ رُؤِيَ فِي بَعْضِ مُؤَلَّفَاتِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَمْدَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَعَلَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ نُصَيْرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْفَرَاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفْضَلِ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَأَلْتُ سَيِّدِي الصَّادِقَ عَ هَلْ لِلْمَأْمُورِ الْمُتَنْظِرِ الْمَهْدِيِّ عَ مِنْ وَقْتِ مَوْقَتِ يَعْلمُهُ النَّاسُ فَقَالَ حَاشَ لِلَّهِ أَنْ يَوْقَتَ ظُهُورَهُ بِوَقْتِ يَعْلمُهُ شِيعَتُنَا ... ثُمَّ يَظْهَرُ بِمَكَّةَ وَ وَاللَّهِ يَا مُفْضَلُ كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ دَخَلَ مَكَّةَ وَ عَلَيْهِ بُرْدَةٌ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَ عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ صَفْرَاءُ وَ فِي رِجْلَيْهِ نَعْلَا رَسُولِ اللَّهِ صَ الْمَخْضُوفَةُ وَ فِي يَدِهِ هِرَاوُتُهُ ... يَظْهَرُ وَحْدَهُ وَ يَأْتِي الْبَيْتَ وَحْدَهُ وَ يَلِجُ الْكَعْبَةَ وَحْدَهُ وَ يَجُنُّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَحْدَهُ فَإِذَا نَامَتِ الْعُيُونُ وَ غَسَقَ اللَّيْلُ نَزَلَ إِلَيْهِ جِبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ عَ وَ الْمَلَائِكَةُ صُفُوفًا فَيَقُولُ لَهُ جِبْرَائِيلُ يَا سَيِّدِي قَوْلَكَ مَقْبُولٌ وَ أَمْرُكَ جَائِزٌ فَيَمْسُحُ عَ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ وَ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَغَدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ وَ يَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ فَيَصْرُخُ صَرْخَةً فَيَقُولُ يَا مَعَاشِرَ نَقِبَائِي وَ أَهْلَ خَاصَّتِي وَ مَنْ ذَخَرَهُمُ اللَّهُ لِيَصْرَتِي قَبْلَ ظُهُورِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ اثْنَتَيْنِ طَائِعِينَ فَتَرِدُ صَبِيحَتُهُ عَ عَلَيْهِمْ وَ هُمْ عَلَى مَحَارِبِهِمْ وَ عَلَى فُرُشِهِمْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَيَسْمَعُونَهُ فِي صَبِيحَةٍ وَاحِدَةٍ فِي أُذُنِ كُلِّ رَجُلٍ فَيَجِيبُونَ نَحْوَهَا وَ لَا يَمْضِي لَهُمْ إِلَّا كَلِمَةٌ بَصْرٍ حَتَّى يَكُونَ كُلُّهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ عَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ فَيَأْمُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ التُّورَ فَيَصِيرُ عَمُودًا مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّمَاءِ فَيَسْتَضِيءُ بِهِ كُلُّ مُؤْمِنٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ نُورٌ مِنْ جَوْفِ بَيْتِهِ فَتَفْرَحُ نَفُوسُ الْمُؤْمِنِينَ بِذَلِكَ التُّورِ وَ هُمْ لَا يَعْلمُونَ بِظُهُورِ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَ ثُمَّ

بنابراین روش اطلاع از نیاز امام به آنها به صورت خارق العاده است. در همین روایت، که در پاورقی شماره‌ی ۳۷ ذکر شد، آمده بود که بقیه‌ی شیعیان، به روشی دیگر خبر از ظهور امام و استنصار امام از آنها پیدا می‌کنند، می‌فرماید:

خداوند به نور دستور می‌دهد که به صورت عمودی از زمین تا آسمان را روشن کند، پس آن نور داخل خانه‌ی هر شیعه‌ای که روی زمین است می‌شود و آنها شاد می‌شوند و از ظهور قائم ما اطلاعی ندارند.

## ۲) یاران خاص و کیفیت حضور خدمت امام

اما کیفیت حضور آنها به خدمت امام به نحوی در روایات ذکر شده است که خارق العاده بودن آن را ثابت می‌کند:

قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ وَ مُحَمَّدٌ ابْنَا عَلِيٍّ بِنِ يُوْسُفَ عَنْ سَعْدَانَ بِنِ مُسْلِمٍ عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا أُذِنَ لِلْإِمَامِ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ الْعِبْرَانِيَّ فَأْتِيَتْهُ لَهُ صَحَابَتُهُ الثَّلَاثُمِائَةِ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ قَزَعٌ كَقَزَعِ الْخَرِيفِ فَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ مِنْهُمْ مَنْ يُفْقَدُ مِنْ فِرَاشِهِ لَيْلًا فَيُصْبِحُ

---

يُصْبِحُونَ وَوُفَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا بَعْدَهُ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ ص يَوْمَ بَدْرٍ ....

بِمَكَّةَ وَمِنْهُمْ مَنْ يُرَىٰ يَسِيرًا فِي السَّحَابِ نَهَارًا يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ  
وَ حَلِيَّتِهِ وَ نَسَبِهِ.<sup>۱</sup>

در این روایت کیفیت حضور آنها به خدمت امامشان را به دو صورت ذکر می‌نماید:

۱. بعضی از آنها در رختخواب خود غیب می‌شوند و در محضر حضرت حاضر می‌شوند.

۲. بعضی دیگر بوسیله‌ی فضاپیمائی به نام «سحاب» حمل می‌شوند (مردم می‌بینند که در ابر سیر می‌کنند، در حالی که مردم اسم آنها و اسم پدرشان و صفت و نسبشان را می‌دانند).

در جواب سؤال ۹ توضیح خواهیم داد که این اختلاف انتقال بر اساس اختلاف ایمان است.

#### ۸. ویژگی‌های آنان از نظر ایمان و اطاعت و عبادت و شجاعت چیست؟

یاران خاص امام زمان #، از لحاظ ایمان و تسلیم امر خداوند بودن و اطاعت از مولایشان و شجاعت در میدان رزم، در درجه‌ی بسیار بالائی قرار دارند و باید با مقدار و سلمان و یاران سیدالشهداء× مقایسه شوند. آنان به حقیقت در آسمان ایمان، مردانی آهنین و در زمین اطاعت، تسلیم محض و در حلقه‌ی عبادت، زاهدان شب و در میدان شجاعت، شیران مبارزه‌اند.

ما در اینجا شانزده صفت از ویژگی‌های ایمان و اطاعت و عبادت و شجاعت آنها را که در بعضی از روایات به وضوح به آن اشاره شده است، ذکر می‌نمائیم:

۱- گنج‌های پنهان هر شهر و دیاری‌اند که در آن ساکن‌اند. (کَنْزٌ بِالطَّلَاقَانِ مَا هُوَ بَدَهَبٍ وَلَا فِضَّةٌ)

۲- مردانی‌اند که دلهاشان در ایمان و استقامت در راه حق، مانند پاره‌های آهن محکم است. (رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ)

۳- ذره‌ای شک در ذات خداوند در دلهاشان نیست. و در عدم شک در ذات خدا دل‌هائی سخت‌تر از سنگ دارند. (لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ، أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ)

- ۴- اگر به کوهی حمله کنند آن را از جای برمی‌کنند. (لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا)
- ۵- قصد هیچ شهری نمی‌کنند مگر این‌که نماد کفر در آن را به نابودی می‌کشاند. (لَا يَقْصِدُونَ بِرَأْيَاتِهِمْ بَلَدَةً إِلَّا خَرَبُوهَا)
- ۶- مانند عقاب بر مرکب‌های خود نشسته‌اند. (كَأَنَّ عَلَى خِيُولِهِمُ الْعُقَبَانَ)
- ۷- زین مرکب امام خود را مسح می‌کنند و از آن طلب برکت می‌نمایند. (يَتَمَسَّحُونَ بِسَرَجِ الْإِمَامِ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَهَ)
- ۸- پیرامون امام‌شان را گرفته‌اند و جان خود را سپر بلای او کرده‌اند. (وَ يَحْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ)
- ۹- در بین آنها کسانی‌اند که شب نمی‌خوانند و صدای ذکر و تسبیحشان مانند صدای وز وز زنبور عسل است. شبانگاه بر پاهایشان در قیام ایستاده‌اند و به هنگام روز، آماده بر مرکب‌هایشان سوارند. (فِيهِمْ رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَبِيْتُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يُصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ)
- ۱۰- راهبان شب و شیران روزند. (رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لُيُوثٌ بِالنَّهَارِ)
- ۱۱- در اطاعت از امام خود، مطیع‌تر از کنیزند برای مولایش. (هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأَمَةِ لِسَيِّدِهَا)

۱۲- خود مانند چراغ هدایتند و دلهاشان مانند قندیل روشن است.

(كَالْمَصَابِيحِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمُ الْقَنَادِيلُ)

۱۳- آرزوی شهادت دارند. (يَتَمَنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ)

۱۴- شعارشان طلب خونخواهی از امام حسین × است. (شِعَارُهُمْ

يَا لَنَارَاتِ الْحُسَيْنِ)

۱۵- از ابّته آنها تا شعاع مسیر یک ماهی، در دل دشمنانشان

رعب و وحشت می افتد. (إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرٍ)

۱۶- در یک ستون و پشت سر هم به سوی مولایشان حرکت

می کنند. (وَ يَمْشُونَ إِلَى الْمَوْلَى إِرسَالاً)<sup>۱</sup>

بنابراین یاران خاص امام، که حضرتش در انتظارشان به سر می برد

در قلّه و اوج ایمان و تسلیم امر مولایشان هستند و در عبادت و

---

۱ - رَوَى السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ الْحَمِيدِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى كِتَابِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ يَرْفَعُهُ إِلَى الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ... رَجَالَ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا لَا يَقْصِدُونَ بِرَأْيَاتِهِمْ بَلْدَةً إِلَّا خَرَبُوهَا كَأَنَّ عَلَى خِيُولِهِمُ الْعُقَبَانَ يَتَمَسَّحُونَ بِسِرْجِ الْإِمَامِ عِ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبُرْكَهَ وَ يَحْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْخُرُوبِ وَ يَكْفُونَهُ مَا يَرِيدُ، فِيهِمْ رَجَالَ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوَى فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَى النَّحْلِ يَبِينُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يَضْحَكُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ رُهْبَانَ بِاللَّيْلِ لِيُوتَ بِالنَّهَارِ هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأَمَةِ لِسَبْدِهَا كَالْمَصَابِيحِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمُ الْقَنَادِيلُ وَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ مُسْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَ يَتَمَنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ يَا لَنَارَاتِ الْحُسَيْنِ إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرٍ يَمْشُونَ إِلَى الْمَوْلَى إِرسَالاً، بِهِمْ يُنْصَرُّ اللَّهُ إِيمَانُ الْحَقِّ. بحار الأنوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۰۷

شجاعت، در میدان «السابقون السابقون» بر مرکب تیزیای اراده‌ی  
پولادین، سوار شده‌اند و تا مقام «اولئک المقربون» رسیده‌اند.

### ۹. آیا همه‌ی یاران خاص، در یک درجه از ایمانند؟

یاران خاص، در مقام «السابقون السابقون» «اولئک المقربونند». اما همین ۳۱۳ نفر به حکم طبیعتِ مشکک انسانی، در یک طبقه از لحاظ ایمان و معرفت قرار ندارند. آنانی که نسبت به دیگران در اوج قله‌ی معرفت و اطاعت بودند، نسبت به هم‌دیگر، به دو دسته تقسیم می‌شوند. قبلاً گفتیم که یاران امام از لحاظ نحوه‌ی رسیدن به خدمت امام به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- دسته‌ای که در حالی که در رختخواب خود خوابند، غیب می‌شوند و به خدمت امامشان می‌رسند.
- ۲- دسته‌ای که در آسمان بوسیله‌ی «سحاب» سیر می‌کنند، و مردم آنها را می‌بینند و کاملاً می‌شناسند، و به این نحو خدمت امام می‌رسند. این نحوه‌ی رسیدن فقط تفاوت در نوع انتقال و حضور خدمت مولایشان نیست، بلکه علت این تفاوت در کیفیت حضور، تفاوت در ایمان آنهاست. به این روایت دقت فرمائید:

«مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق × فرمودند: این آیه دربار‌ی افرادی از یاران قائم که در رختخوابشان غیب می‌شوند، نازل شده است: «أَیْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً». بعضی از آنها شبانگاه از



رختخوابشان غیب می‌شوند و صبح در مکه حاضر می‌شوند و بعضی از آنها، که برای همه شناخته شده‌اند، در سحاب سیر می‌کنند. مفضل بن عمر می‌گوید: گفتم فدایت شوم کدام یک از این دو گروه، ایمانشان محکم‌تر است؟

فرمود: کسانی که روز در سحاب حرکت می‌کنند.<sup>۱</sup> بنابراین یاران خاص امام از لحاظ ایمان دو دسته‌اند، و ایمان دسته‌ای که در روز در «سحاب» سفر می‌کنند، از ایمان دسته‌ی دیگر که شبانه از رختخواب خود غیب می‌شوند، قوی‌تر است.<sup>۲</sup>

۱ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَقَدْ نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ فِي الْمُتَّقِينَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ ع قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّهُمْ لَيُنْفِقُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ لَيْلًا فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ وَبَعْضُهُمْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ يُعْرِفُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَحَلِيَّتِهِ وَنَسَبِهِ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّهُمْ أَكْبَرُ إِيمَانًا قَالَ الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَاراً.

کمال الدین و تمام النعمة، جلد ۲، صفحه‌ی ۶۷۲

۲ - چون طبق روایات، مردم دسته‌ای را که در «سحاب» سیر می‌کنند، به خوبی می‌شناسند، ممکن است بتوان گفت که این دسته دارای وجهی اجتماعی بالاتری نسبت به دسته‌ی دیگر دارند و به کارهای اصلاح‌گرایانه‌ی اجتماعی می‌پردازند. یا ممکن است شب آنها روز جهان افروز باشد، برخلاف دسته‌ی دیگر که شب در خواب بودند (حداقل قسمتی از شب را). نیز ممکن است بگوئیم که دسته‌ی برتر صاحب تصرف در فضا هستند (سیر در سحاب) برخلاف دسته‌ی دیگر که فقط، اگر مفقود شدن آنها در فراش بخاطر داشتن طی الأرض است، صاحب تصرف در زمین می‌باشند.

### علت تفاوت زمان حضور

گفتیم که علت تفاوت یاران خاص در کیفیت حضور به خدمت مولایشان، تفاوت در ایمان آنهاست. اما علت تفاوت زمان حضور، تفاوت مکانی محل سکونت آنها در کره‌ی زمین است.

ما در جواب سؤال ۷ در کیفیت اطلاع از خبر ظهور گفتیم که آنها به صورت غیر عادی از نیاز حضرت به آنها و از هنگامه‌ی ظهور خبردار می‌شوند. این لحظه (لحظه‌ی حضور یاران خاص خدمت امام) زمان قبل از طلوع فجر یکی از روزهای بین ظهور اصغر و ظهور اکبر (قیام امام) است و همگی در یک زمان به وقت شهر «مکه» از آن اطلاع پیدا می‌کنند و در شهر مکه خدمت امام × می‌رسند. پس کسانی که در رختخواب خود غیب می‌شوند، در مناطق غربی مکه تا حدود ایالت متحده‌ی آمریکا و غرب کانادا، و کسانی که در روز بوسیله‌ی «سحاب» به خدمت او می‌رسند، در مناطق شرقی شهر مکه تا حدود ژاپن و شرقی‌ترین بخش روسیه ساکنند.

بنابراین یاران خاص امام مهدی # در کشورهای شرق مکه، از یاران او در کشورهای غرب مکه، از لحاظ ایمان قوی‌ترند.

**۱۰. آیا می‌شود جزء یاران خاص امام؛ یعنی جزء ۳۱۳ نفر شد؟**

من در مدتی که این تحقیق را می‌نوشتم آرزو داشتم که بتوانم به نحوی به این سؤال جواب مثبت بدهم. ضمن اینکه انگیزه‌ی اولیه نوشتن این تحقیق، فقط کشف جواب همین سؤال و پاسخ مثبت به آن بود. هنگامی که روایاتی را که اسامی یاران خاص امام را نقل کرده بودند بررسی می‌کردم، تأسف می‌خوردم و از توقیفی بودن آن رنج می‌بردم، اما به هر حال زبان حال این شعر حافظ، خواجه‌ی شیراز، بود که گفته:

نصیحتی کنت بشنو و بهانه مگیر

هر آن چه ناصح مشفق بگویدت پی‌ذیر

چو قسمت ازلی بی حضور ما کردند

گر اندکی نه به وفق رضاست خرده مگیر

اما با بررسی اختلاف روایاتی که در این زمینه وجود دارد، به این نتیجه رسیدم که نباید به روش مشهور به جمع بین روایات پردازم، چرا که در آن هنگام یا تمام آن روایات از اعتبار ساقط می‌شوند و یا حتی در صورت پذیرش، به توقیفی بودن یاران خاص حکم می‌شود. بنابراین به روش جدیدی برای جمع بین این روایات روی آوردم.

**استعانت از اختلاف روایاتی که نام یاران خاص یا شهرهای آنان را بیان می‌کنند**  
قبلاً نوشتیم که تعداد روایاتی که نام یاران خاص امام مهدی # را ذکر می‌کنند، پنج روایت است، که در صفحه‌ی ۲۹ در بحث «تعیین از لحاظ شهر و نام» ذکر شدند.

ما برای حل اختلاف این روایات، تعداد افراد یاران خاص را در شهر مقدس «قم» (از سه روایتی که از قم در آن‌ها نام برده شده است) بررسی می‌کنیم و به روش جدید آن را جمع می‌نمائیم:

۱. روایت عبدالله بن مسعود از امیرالمؤمنین .×

«... سپس زمانی که قیام کند، یارانش که به تعداد اصحاب بدر و اصحاب طالوتند در اطرافش جمع می‌شوند و آنها ۳۱۳ مردند ... و یک مرد از قم به نام یعقوب، ...»

«... ثم إذا قام تجتمع إليه أصحابه على عدة أهل بدر و أصحاب طالوت وهم ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً... ورجل من قم، يعقوب...»<sup>۱</sup>

۲. روایت اصبح بن نباته از امیرالمؤمنین :×

---

۱ - این روش جمع جدید، روشی خاص برای جمع اختلاف در تعداد یاران خاص قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است، و با آن روش جدیدی که در اخذ و اثبات صدور روایت داریم متفاوت است. برای اطلاع از آن روش رجوع کنید به: «روشی جدید در احراز صدور احادیث» از محمد ذکاوت.

۲ - إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۶۵

«... و ده نفر از قم که نام‌هایشان همنام اهل بیت رسول الله می‌باشد.»

عن الأصمغین بن نباتة، قال: خطب أمير المؤمنين علي عليه السلام خطبة، فذكر المهدي و خروج من يخرج معه و أسماءهم، ... فقال: «... و عشرة من قم أسماءهم على أسماء أهل بيت رسول الله | ...». ۳. روایت ابوبصیر از امام جعفر صادق × :

«... و از قم هجده مرد؛ به نامهای: غَسَّانُ فرزند مُحَمَّد، و عَلِيُّ فرزند أَحْمَد، و عِمْرَانُ فرزند خَالِد، و سَهْلُ فرزند عَلِيّ، و عَبْدُ الْعَظِيمِ فرزند عَبْدِ اللَّهِ، و حَسَكَةَ فرزند هَاشِم، و أَخُوَصُ فرزند مُحَمَّد، و بُلَيْلُ فرزند مَالِك، و مُوسَى فرزند عِمْرَان، و عَبَّاسُ فرزند زُفَر، و حُوَيْدُ فرزند بِشْر، و مَرُوَانُ فرزند عَلَابَةَ، و صَفْرُ فرزند إِسْحَاق، و كَامِلُ فرزند هِشَام.»

عن ابی بصیر قال: قال جعفر بن محمد ×:

«... و من قم ثمانية عشر رجلاً: غَسَّانُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ غَسَّانَ وَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ بُرَّةَ بْنِ نَعِيمِ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ بِلَالٍ، وَ عِمْرَانَ بْنَ خَالِدِ بْنِ كَلْبِيبٍ، وَ سَهْلُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ صَاعِدٍ، وَ عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الشَّاهِ، وَ حَسَكَةُ بْنُ هَاشِمِ بْنِ الدَّابَّةِ، وَ الْأَخُوَصُ ابْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ نَعِيمِ

بْنِ طَرِيفٍ، وَ بُلَيْلُ بْنُ مَالِكِ بْنِ سَعْدِ بْنِ طَلْحَةَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَرِيرٍ، وَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ بْنِ لَاحِقٍ، وَ الْعَبَّاسُ بْنُ زُفَرِ بْنِ سَلِيمٍ، وَ الْحُوَيْدِيُّ بْنُ بَشْرِ بْنِ بَشِيرٍ، وَ مَرْوَانَ بْنَ عَلَابَةَ بْنِ جَرِيرِ الْمَعْرُوفِ بَابِنِ رَأْسِ الزَّقِّ، وَ الصَّقْفُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، وَ كَامِلُ بْنُ هِشَامٍ...»<sup>۱</sup>

در روایت اول تعداد یاران خاص را از قم یک نفر و در روایت دوم تعداد آنها را ده نفر و در روایت سوم تعداد آنها را هجده نفر می‌شمارد. ضمن این‌که در روایات اسم‌ها با هم مطابقت ندارند.

آنچه در جمع این سه روایت فعلاً به نظر ما می‌رسد این است که: امام معصوم × خبر از لوح محو و اثبات می‌دهد، و اطلاع و اخبار از لوح محو و اثبات به معنای وقوع قطعی آن نیست. بنابراین در طول تاریخ، علل مُعَدَّه‌ی بعضی از شخص‌ها و شهرها بوجود نیامده‌اند و آن شهرها و شخص‌ها نیز موجود نشده‌اند و کسانی دیگر جایگزین آنها شده‌اند.

این که در روایتی فرموده از قم یک نفر و در روایت دیگر فرموده ده نفر و در روایت بعدی فرموده هجده نفر، ممکن است ناظر به زمان

---

۱ - دلائل الإمامة، صفحه‌ی ۵۶۶، تعداد اسمها در این روایت چهارده نفر است، و از اشتباهات راوی یا کاتب است. ممکن است اسمهایی مانند «عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ بُرَّةَ بْنِ نُعَيْمِ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ بِلَالٍ» دو یا سه اسم باشند، و الأمر سهل.

خاصی باشد؛ یعنی با توجه به این که زمان ظهور، تقدیم و تأخیر دارد، این روایات بیانگر این هستند که اگر ظهور در فلان زمان اتفاق بیفتد، این فرد جزء یاران خاص خواهد بود و اگر ظهور در فلان زمان اتفاق بیفتد، این افراد جزء یاران خاص خواهند بود.

روایات نیز مانند قرآن ناسخ و منسوخ دارند و روایات بعدی ناسخ روایات قبلی‌اند. البته در اینجا منظور من از نسخ «نسخ احکامی» نیست بلکه «نسخ کلامی» است که به معنای «تغییر در مشیت الهی نسبت به تغییر اختیاری موجود مختار» است.


#### بحث مختصری درباره‌ی تغییرات در علمِ فعلی الهی

انسان موجودی است مختار که می‌تواند با حُسن استفاده از اختیار خود، راه خیر را ببیماید و از مقام ثابت ملائکه بالاتر رود و همنشین انبیاء گردد:

وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا.<sup>۱</sup>

---

۱ - و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها دوستان خوبی هستند. آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی نساء

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان  # ۱۰۳

همچنین می‌تواند با سوء استفاده از اختیار خود راه شر را ببیماید و از مقام ثابت حیوانات فروتر رود و «كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» گردد و همنشین شیاطین شود:

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا  
وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ  
هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ.<sup>۲</sup>

وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ تَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ.<sup>۳</sup>

بنابراین علم به حوادث زندگی این موجود مختار، علمی تغییر پذیر خواهد بود و اگر در مورد و یا در زمان خاصی از کمالات و یا نواقص او صحبت شود، به معنای اعتقاد قطعی درباره‌ی او نیست. اعتقاد قطعی او همان است که با آن از این جهان می‌رود و این را غیر از خداوند متعال و کسی که با نور علم خداوند به حوادث غیب آگاه است، نمی‌داند.

---

۱ - آیه‌ی ۴۴ سوره‌ی فرقان

۲ - و گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آنها دل‌هایی دارند که با آن نمی‌فهمند و چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند؛ و گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند. آنها هم چون چهارپایانند؛ بلکه گمراهندند. اینان همان غافلانند. آیه‌ی ۱۷۹ سوره‌ی اعراف

۳ - و هر کس از یاد خدا روی‌گردان شود شیطان را به سراغ او می‌فرستیم. پس همواره همنشین اوست. آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی زخرف.




در روایتی که از ابی بصیر روایت شده است، حضرت امام صادق X بعضی از علومی که در خدمت امام است به ترتیب اهمیت می‌شمارد و از «علمی که یک میلیون باب دارد» تا «جامعه» و «جفر» و «علم ما کان و علم ما هو کائن»، همه را ذکر می‌نماید. ابی بصیر سپس عرض می‌کند: «به خدا این همان علم حقیقی است». ولی امام صادق X می‌فرماید: «این علم است ولی علم این نیست».

سپس ابی بصیر عرض می‌کند: «فدایت شوم! پس علم چیست؟» می‌فرماید: علم آن است که شبانه‌روز لحظه به لحظه و حادثه به حادثه و شیء پس از شیء تا روز قیامت ایجاد می‌شود:

ثُمَّ قَالَ إِنَّ عِنْدَنَا لَعِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا هُوَ وَاللَّهِ الْعِلْمُ قَالَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ مَا هُوَ بِذَاكَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَأَيُّ شَيْءٍ هُوَ الْعِلْمُ قَالَ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ الْأَمْرُ بَعْدَ الْأَمْرِ وَ الشَّيْءُ بَعْدَ الشَّيْءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ<sup>۱</sup>

اگر چه این روایت در عالم بودن امام به این نوع علم صریح نیست، ولی از قرینه‌ی شمارش علوم امام در متن روایت، می‌توان نسبت به آن ادعای ظهور کرد. نیز روایت زیر دلیلی بر این مدعاست:

تحقیقی تحلیلی پیرامون یاران خاص امام زمان  # ۱۰۵

حُمران می‌گوید: به امام صادق  $\times$  عرض کردم: در نزد شماست تورات و انجیل و زبور و آنچه در صحیفه‌های قبل، صحیفه‌های ابراهیم و موسی، بود؟  
فرمود: بله.

گفتم: این علم اکبر است!

فرمود: ای حمران اگر غیر از این علمی نبود [همین‌ها علم اکبر بود]، ولی آنچه که شبانه‌روز حادث می‌شود علمش در نزد ما عظیم‌تر است.  
عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَكُمْ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ وَالزَّبُورُ وَمَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى قَالَ نَعَمْ قُلْتُ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْعِلْمُ الْأَكْبَرُ قَالَ يَا حُمْرَانُ لَوْ لَمْ يَكُنْ غَيْرَ مَا كَانَ وَ لَكِنْ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عِلْمُهُ عِنْدَنَا أَعْظَمُ<sup>۱</sup>

این مرتبه‌ی علم که امام علیه الصلاة و السلام آن را «علم واقعی و علم اعظم» نامیده است، مهمترین مرحله‌ی علوم امام است که عظمت آن با علوم دیگر قابل مقایسه نیست.<sup>۲</sup>

بنابراین ممکن است امام حادثه‌ی ای را از علوم مکتوبی خود (مانند جفر، جامعه، و...)، مثلاً ذکر ملاحم و ذکر نام ۳۱۳ نفر از یاران خاص

۱ - همان، صفحه‌ی ۱۴۰

۲ - درباره‌ی مراتب علوم ائمه صلوات الله عليهم اجمعین بخوانید «علم امام» از محمد ذکاوت.

را بازگو فرماید ولی آنچه در آینده اتفاق می‌افتد خلاف آن چیزی باشد که فرموده است. زیرا آنچه امام علیه الصلاة و السلام در اختیار دارد و آنچه می‌فرماید نه متعلق مختار را مجبور می‌کند و نه دست خداوند را می‌بندد، زیرا علم حقیقی آن است که شبانه روز و لحظه به لحظه ایجاد می‌شود، و این علم به دلیل مطابقت زمانی با معلوم خارجی، تخلف پذیر نیست ولی علوم دیگر تخلف پذیر بوده گاهی با واقعیت خارجی مطابقت نمی‌کند.

پس این علم (علوم مکتوبی امام، چون مقید است)، علم کامل نیست زیرا تغییر در متعلق، آن را از تطبیق با آن دور می‌نماید. و منبع علمی امام اگر مقید شد، از چنین حادثه ای دور نیست، زیرا سرنوشت متعلق مختار را جز خدا کسی نمی‌داند. اشاره بگویم که موجود، تابع لوح محفوظ است و لوح محو و اثبات، تابع موجود، فتدبر.

این بود که امام X فرمود: **إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ مَا هُوَ بِذَاكَ**. (این علم است اما علم این نیست). تا اینکه در جواب ابی بصیر که عرض کرد: پس علم چیست؟

فرمود: **مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ الْأَمْرُ بَعْدَ الْأَمْرِ وَالشَّيْءُ بَعْدَ الشَّيْءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**. (علم آن است که در شب و روز لحظه به لحظه تا روز قیامت ایجاد می‌شود).

آنقدر این علم مهم و عظیم است که امامی که علم به «ما کان» و علم به «ما هو کائن» تا روز قیامت را دارد و به حق ادعا می‌کند که من همانطور که کف دستم را می‌بینم علم به قرآن دارم (أَعْلَمُ ذَلِكَ كَأَنَّمَا أَنْظَرُ إِلَى كَفِّي)<sup>۱</sup>، می‌فرماید: مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عِلْمُهُ عِنْدَنَا أَعْظَمُ (ای حُمران! علمی که لحظه به لحظه در شب و روز ایجاد می‌شود، در نزد ما عظیم‌تر و مهم‌تر است).

بنابر موارد گفته شده نتیجه می‌گیریم که:

۱- اشخاص یاران خاص (۳۱۳ نفر) توقیفی نیستند؛ یعنی قابل تعویض و دارای وجود علی‌البدل می‌باشند؛ یعنی اگر کسی از آنها از دنیا رفت یا بخاطر انجام اعمالی که در شأن مقام او نیست، از جزء آنها خارج شد، در علم الهی فردی دیگر جایگزین او خواهد شد.<sup>۲</sup> اما عدد ۳۱۳ توقیفی است؛ یعنی امام باید ۳۱۳ یار خالص و

---

۱ - عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أُعَيْنٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ قَدْ وَكَّدَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا أَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ وَفِيهِ بَدْءُ الْخَلْقِ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَفِيهِ خَيْرُ السَّمَاءِ وَخَيْرُ الْأَرْضِ وَخَيْرُ الْجَنَّةِ وَخَيْرُ النَّارِ وَخَيْرُ مَا كَانَ وَخَيْرُ مَا هُوَ كَائِنٌ أَعْلَمُ ذَلِكَ كَأَنَّمَا أَنْظَرُ إِلَى كَفِّي إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ. کافی، جلد ۱، صفحه ۶۱

۲ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. آیه ۵۴ سوره‌ی مائده.

مخلص داشته باشد، و قبلاً گفتیم که ۳۱۳ یار یکی از شرایط ظهور است.

۲- در هر زمانی ۳۱۳ یار موجودند. (البته نباید اشکال شود که اگر موجودند پس چرا امام ظهور نمی‌کند؟ زیرا قبلاً گفتیم که وجود ۳۱۳ نفر، شرط لازم برای ظهورند، نه شرط کافی) بنابراین اگر امام در «زمان خاصی» بخواهد ظهور کند، ۳۱۳ نفر از «مؤمنان همان زمان» انتخاب می‌شوند.

۳- یاران خاص امام مهدی # از «برترین مؤمنان موجود در هر زمان» می‌باشند، و این برتر بودن تشکیکی و نسبی است؛ یعنی ممکن است مؤمنان دوره‌های قبل که اکنون از دنیا رفته‌اند، از این افراد برتر بوده باشند.

ما در نظریه‌ی جدید خود به نام «نظریه‌ی وصفی در علائم ظهور» به اثبات مبانی این دیدگاه از طریق قرآن و روایات پرداخته‌ایم. امید است شیعیان اهل بیت <sup>۸</sup> در تحقق ظهور دادگستر عدالت جهانی، در اندیشه‌ی تحقق علامات نشینند و خود، علامت ظهور و نشانه‌ی قیام آن بزرگ‌مرد آل طه <sup>۸</sup> باشند. آمین.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ أَفْضَلَ

وَ أَحْسَنَ وَ أَجْمَلَ وَ أَكْمَلَ وَ أَزْكَى وَ أَنْمَى وَ أَطْيَبَ وَ أَطْهَرَ وَ أَسْنَى وَ  
أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ  
عِبَادِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ أَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ  
خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ وَ آيَتِكَ  
الْكُبْرَى وَ النَّبِيَّ الْعَظِيمِ وَ صَلِّ عَلَيَّ الصِّدِّيقَةَ الطَّاهِرَةَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ  
الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَيَّ سَيِّدِي الرَّحْمَةَ وَ إِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ  
سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ صَلِّ عَلَيَّ أَيْمَةَ الْمُسْلِمِينَ عَلَيَّ بِنِ الْحُسَيْنِ وَ  
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ  
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْخَلْفِ الْمُهَدِيِّ  
حُجَجِكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ وَ أَمَنَّاكَ فِي بِلَادِكَ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اللَّهُمَّ وَ  
صَلِّ عَلَيَّ وَلِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَ اخْفُفْهُ بِمَلَأَيْكَ  
الْمُقَرَّبِينَ وَ أَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى  
كِتَابِكَ وَ الْقَائِمِ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ  
قَبْلِهِ مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَبْدَلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا  
يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَ أَعِزِّزْ بِهِ وَ انصُرْهُ وَ انصُرْ بِهِ وَ انصُرْهُ نَصْرًا  
عَزِيزًا وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا مُبِينًا وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا اللَّهُمَّ  
أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً

أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ  
 أَهْلَهُ وَ تُنْذِلُ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ  
 الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنْ  
 الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَ مَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَاهُ وَ اهْدِنَا لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ  
 بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهٍ شَعْنَنَا وَ  
 اشْعَبَ بِهٍ صَدَعْنَا وَ ارْتُقَ بِهٍ فَتَقْنَا وَ كَثُرَ بِهٍ قَلْتْنَا وَ أَعَزَّ بِهٍ ذَلْتْنَا وَ أَعْنَ بِهٍ  
 عَائِلْنَا وَ أَفْضَ بِهٍ عَن مُغْرَمِنَا وَ اجْبُرَ بِهٍ فَقْرَنَا وَ سَدَّ بِهٍ خَلْتْنَا وَ يَسَّرَ بِهٍ  
 عُسْرَنَا وَ بَيَّضَ بِهٍ وُجُوهَنَا وَ فُكَّ بِهٍ أَسْرَنَا وَ أَنْجَحَ بِهٍ طَلِبَتَنَا وَ أَنْجَزَ بِهٍ  
 مَوَاعِيدَنَا وَ اسْتَجَبَ بِهٍ دَعْوَتَنَا وَ أَعْطَانَا بِهٍ سُؤْلَنَا وَ بَلَّغْنَا بِهٍ مِنَ الدُّنْيَا وَ  
 الْآخِرَةِ آمَالَنَا وَ أَعْطَانَا بِهٍ فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَ أَوْسَعَ الْمُعْطِينَ  
 اشْفَ بِهٍ صُدُورَنَا وَ أَذْهَبَ بِهٍ غَيْظَ قُلُوبِنَا وَ اهْدِنَا بِهٍ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ  
 الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ انصُرْنَا بِهٍ عَلَى  
 عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّنَا إِلَى إِلَهِ الْحَقِّ آمِينَ. [دعای افتتاح]

والحمد لله رب العالمين

### فهرست منابع

- قرآن ..... الله جلّ جلاله  
نهج البلاغه ..... گردآوری سید رضی & از سخنان امیرالمؤمنین ×  
إرشاد ..... شیخ مفید &  
إلزام الناصب ..... علی حائری یزدی &  
بحار الأنوار ..... علامه مجلسی &  
التشريف بالمنن في التعريف بالفتن ..... سیدین طاووس &  
تفسیر نمونه ..... آیت الله مکارم شیرازی حفظه الله  
دلائل الإمامة ..... محمدبن جریربن رستم طبری &  
زندگانی امام مهدی # ..... علامه سید محمد کاظم قزوینی &  
علم امام ..... محمد ذکاوت صفت



- غیبت ..... شیخ طوسی &  
غیبت ..... شیخ نعمانی &  
کافی ..... شیخ کلینی &  
کمال‌الدین و تمام النعمة ..... شیخ صدوق &  
نظریه‌ی وصفی در علائم ظهور ..... محمد ذکاوت صفت  
الهدایة الكبرى ..... حسین بن حمدان خصیبهی &



اتراک

دورهای خزر

ایران

حجاز

انا المهدی

MFR  
تکات ظهور

جاء الحق و زفق المائل  
مذای اسماعیلی  
۲۳ رمضان  
بقیع غریب  
مدینه منوره

روز ظهور امام زمان  
۱۰ محرم  
در حالی که همه انتظار آسمان  
نگاه بر افکند

